

شرط عملی توکل، به میدان رفتن است



عصر

روزنامه‌های اقتصادی
دوشنبه
۱۴۰۳ بهمن ۱۴۰۳
۴ شعبان ۱۴۴۶
3 Février 2025
۸ صفحه • پنج هزار تومان • سال سوم • شماره پانصد و بیست و یک
www.asrghanoon.ir

کلاهکی برای اروپا

ادعای روزنامه‌لندنی دیلی تلگراف: ایران در حال ساخت موشک‌های حمل کلاهک هسته‌ای است که بتواند تا برد اروپا را هدف حمله قرار دهد

تلگراف نوشت: «مقاومت ایران به صورت مخفیانه در حال توسعه کلاهک‌های هسته‌ای برای موشک‌های با برد بیش از ۳۰۰۰ کیلومتر است که قادر خواهند بود به اروپا برسند.» بنا بر ادعای تلگراف «این پروژه در دو سایت موشکی شاهرود و سمنان انجام می‌شود و تحت پوشش پایگاه‌های ماهواره‌ای قرار دارد و ایران از طراحی‌های کره شمالی برای ساخت این موشک‌ها استفاده کرده است.»
هم‌چنین، روزنامه انگلستانی گزارش داده که «ایران به‌طور پنهانی سلاح‌های هسته‌ای با شعاع ۱۸۰۰ مایل تولید می‌کند که می‌توانند به اروپا برسند.»



استقلال؛ مهم‌ترین و بزرگ‌ترین دستاورد انقلاب اسلامی



امروز ایران، هویت ملی یافته و تمام ارکان کشور به واسطه مردم انتخاب می‌شوند و این بر اساس هویت دینی و اسلامی و با رعایت مردم‌سالاری دینی است.

۲

ترامپ و آینده اپوزیسیون ایرانی



اپوزیسیون بیشتر مورد حمایت قرار خواهند گرفت که بیشتر از قبل تضمین بدهند که اقداماتشان علیه ایران، به رفاه، امنیت و قدرت آمریکا کمک کند.

۳

رمز کشف الکرب بودن حضرت عباس (ع) چیست؟



حضرت عباس علیه السلام نه تنها یک مرد شجاع و رزم‌آور بودند، بلکه مردی زاهد و عارف بودند که از لحاظ معنوی به بالاترین درجه‌ها رسیده بودند. به طوری که درباره ایشان گفته شد: «و کان من اعبد بنی هاشم؛ از پارساترین مردم بنی هاشم بود.»

۴

اعتماد عمومی تحت تاثیر عملکرد نهادهای اقتصادی است



در دوره‌هایی که اعتماد مردم به دستگاه‌های اقتصادی آسیب دیده است، به ویژه به دلیل عدم تحقق تعهدات، مشارکت آن‌ها در برنامه‌های اقتصادی به شدت کاهش یافته است.

۵

سینماگر جریان سوم



او وابسته به همه آرمان‌های انقلاب ۵۷ خمینی کبیر است، مؤمن به عدالت‌طلبی و آزادی‌خواهی توأمان، متعهد به مردم‌گرایی و اسلام‌خواهی هم‌زمان، باورمند به استقلال‌خواهی و پیشرفت در هم‌تنیده...

۶

تغییر رتبه در جدول لیگ نخبگان



می‌دانم استقلال از لحاظ بازیکنان و اتمسفر هوادارانش تیمی قوی است. شناخت کافی نسبت به این حرف داریم و احترام زیادی برای استقلال و هوادارانش قائل هستیم.

۸

پیشخوان
Pishkhan.com

شرط عملی توکل، به میدان رفتن است



رهبر معظم انقلاب اسلامی صبح دیروز در دیدار اساتید، قاریان، و حافظان برتر شرکت‌کننده در چهل و یکمین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن و قشرهایی از مردم، قرآن را معجزه جاودانه نبی مکرم اسلام خواندند و تأکید کردند: توکل حقیقی به پروردگار، هر امر محالی را هم محقق می‌کند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تبریك میلاد ابا عبدالله الحسین(ع)، استمرار اعجاز قرآنی و نبوی را برکت عظیمی برای انسان و عالم وجود برشمردند و گفتند: هنگام مراجعه و تلاوت قرآن باید توجه کامل داشت که با معجزه رسول خاتم ربه‌رو هستیم.

ایشان لفظ، نظم، مفاهیم، بیان سنت‌های الهی و همه چیز قرآن را معجزه خواندند و گفتند: اگر از این معجزه عظیم بهره‌گیری شود، همه مشکلات بشر برطرف می‌شود و زندگی جوامع بشری سامان می‌یابد.

رهبر انقلاب با اشاره به دسترسی اولیاء و علما و بزرگان به معارف بلند قرآنی، گفتند: برای احاد بشر نیز همین تعابیر ظاهری و درس‌های مشهود قرآن راهگشاست.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تبیین مفهوم قرآنی «توکل» گفتند: به فرموده کلام‌الله مجید، هر کس به خدا توکل کند خدا برای او کافی است؛ بنابراین اگر شروط توکل رعایت شود، این وعده الهی حتماً تحقق می‌یابد.

ایشان، اعتماد و یقین به وعده‌های صادق الهی را شرط ذهنی توکل خواندند و افزودند: باید بدون هیچ‌گونه سوءظن، یقین داشت که به اذن پروردگار، هر امر محالی ممکن خواهد شد.

رهبر انقلاب پیروزی مردم غزه بر رژیم صهیونیستی و رژیم آمریکا را نمونه‌ای از تحقق امر محال دانستند و گفتند: اگر گفته می‌شد مردم منطقه کوچک غزه با قدرت بزرگی مثل آمریکا می‌جنگند و بر آن پیروز می‌شوند، هیچکس باور نمی‌کرد اما این امر محال به اذن پروردگار محقق شد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای شرط دوم برای تحقق آیه «مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» را حضور در میدان عمل برشمردند و گفتند: خداوند در هر کاری، بخشی را بر عهده انسان گذاشته است و اگر علاوه بر یقین ذهنی به وعده‌های پروردگار، این وظایف هم انجام شود، بدون تردید هر کاری حتی اگر محال باشد، ممکن خواهد شد.

ایشان با اشاره به رویارویی استکبار با بسیاری از ملت‌های دنیا و نه فقط ملت ایران، گفتند: فرق ملت ایران با دیگران این است که جرأت گفتن این واقعیت را دارد که آمریکا متجاوز، دروغگو، فریبکار و استعمارگر است و به هیچ اصلی از اصول



استقلال؛ مهم‌ترین و بزرگ‌ترین دستاورد انقلاب اسلامی

ولی‌الله بیاتی

مهم‌ترین دستاورد انقلاب اسلامی برطرف شدن کامل وابستگی ایران به سایر کشورهاست و استقلال ایران امروز است. امروز ایران، هویت ملی یافته و تمام ارکان کشور به واسطه مردم انتخاب می‌شوند و این بر اساس هویت دینی و اسلامی و با رعایت مردم‌سالاری دینی است و این بزرگ‌ترین دستاورد پس از انقلاب اسلامی است.

در جریان انتخابات مردم کاملاً در صحنه هستند. از ابتدای انقلاب، شعار مردم استقلال، آزادی و جمهوری اسلامی بوده و امروز شاهد استقلال و آزادی مردم در کشور هستیم. در مجلس به دنبال قانونمند کردن راهپیمایی‌ها و تجمعات هستیم تا بتوان به‌راحتی شتونده انتقادات مردم بود؛ بنابراین امروز در کشور استقلال و آزادی وجود دارد و بر مبنای احکام شرعی نیز جمهوری اسلامی حاکم است. در حالی که پیش از انقلاب حکومت طاغوت برقرار بود و با اعتقادات مردم هیچ سازگاری نداشت.

امروز در زمینه‌های نظامی، سیاسی و عمرانی موفقیت‌های بزرگی به دست آورده‌ایم. البته در زمینه‌های اقتصادی و معیشتی مشکلاتی وجود دارد که باید برای رفع هر چه سریع‌تر آنها تلاش کرد تا انقلاب با اهداف اولیه خود به‌پیش رود.

امروز دشمنان منتظر راهپیمایی ۲۲ بهمن هستند تا حضور مردم را ارزیابی کنند؛ بنابراین مردم صرف‌نظر از مشکلات اقتصادی، در این راهپیمایی حضور فعالانه‌ای داشته باشند و حماسه‌های دیگر را بیافرینند.

* سخنگوی امور داخلی کشور و شوراهای مجلس

ترامپ و آینده اپوزیسیون ایرانی

مهدی جهان تیغی

بخش قابل توجهی از اپوزیسیون ایرانی از باب اینکه تصور می‌کنند، ترامپ می‌تواند فشار بیشتری به مردم ایران وارد کند، تکرار ریاست‌جمهوری او را، دوران ایده‌آل برای خود می‌دانند. با این وجود، آینده اپوزیسیون ایرانی به چه نوع سمتی خواهد رفت.

۱. تا این لحظه باتوجه به تعلیق سه ماه کمک مالی دولت آمریکا به کشورهای خارجی و تأثیر مستقیمی که بر اپوزیسیون ایرانی در آینده آنها دارد، یکی از مهم‌ترین دریچه برای تحلیل آینده خواهد بود. در نگاه دولت ترامپ باتوجه به مشکلات اقتصادی و لزوم کاهش هزینه‌ها، زین پس معیار کارآمدی دلخواه از اپوزیسیون جمهوری اسلامی درگاه اصلی دریافت کمک مالی خواهد بود؛ بنابراین سؤال مهم این است که چه کسانی و چه نوع کارآمدی دلخواه تیم ترامپ هست؟

۲. در گذشته نزدیکان ترامپ به اپوزیسیون از جنس منافقین و یا گروه‌های که رویه تجزیه‌طلبانه‌تر، اغتشاش‌گرایانه و خست‌آمیز بیشتری داشتند بهای بیشتر دادند. در نگاه آنها اپوزیسیون ایرانی فاقد توان برای اقدامات نرم براندازی با اقبال گسترده مردمی هستند و بیشتر باید نقش ضد امنیتی مقطعی، تحریمی و فشارهای رسانه‌ای و شوک روانی باید داشته باشند.

۳. بر اساس آنچه وزیر امور خارجه دولت ترامپ بیان کرده، اپوزیسیون بیشتر مورد حمایت قرار خواهند گرفت که بیشتر از قبل تضمین بدهند که اقداماتشان علیه ایران، به رفاه، امنیت و قدرت آمریکا کمک کند. به زبان ساده‌تر، اپوزیسیون ایرانی برای دریافت کمک بیشتر باید بسیار بیشتر از قبل وطن‌فروشی و اقدام مستقیم علیه مردم ایران انجام بدهند.

۴. کاهش اجباری و یا به تعبیر دقیق‌تر هدف‌مندتر شدن کمک مالی دولت آمریکا به اپوزیسیون ایرانی سبب چندپارگی و اختلافات بیشتر آنها خواهد شد. دلیل اول این است که جنگ القای کارآمدی و اثبات خود به دولت ترامپ در سه ماه آینده بین اپوزیسیون بیشتر از قبل شکل خواهد گرفت و به همین دلیل نفی یکدیگر و دعوی قدرت شدیدتر بین آنها صورت خواهد پذیرفت. در این میان برخی از اپوزیسیون همانند محمدرضا پهلوی که همچنان با اموال دزدی ایرانیان صاحب ثروت قابل توجهی است، تلاش خواهد کرد که برخی اپوزیسیون کم‌درآمد و رو به ضعف را به سمت خود متمایل کند و جبهه مخالفین خودش را تضعیف کند. برخی دیگر از اپوزیسیون نیز به سمت جذب کمک از دیگر کشورهای اروپایی و برخی کشورهای منطقه سرازیر خواهند شد. تنوع منابع تأمین مالی و کارفرمایان متعدد اپوزیسیون، عملاً سبب می‌شود که بیشتر از قبل در روندهای کلی دچار سیاست‌های چندگانه متضاد شده و اختلافات بین آنها را ریشه‌دارتر از قبل بشود.



انسانی پایبند نیست؛ بنابراین، «مرگ بر آمریکا» می‌گوید اما دیگران جرأت بیان این حقایق و ایستادگی در مقابل آمریکا و ادای سهم خود در مبارزه با استکبار را ندارند بنابراین به نتیجه‌ای هم نمی‌رسند.

رهبر انقلاب با تأکید بر ضرورت صبر و مجاهدت برای حصول نتیجه، صبر و تلاش ۴۶ ساله ملت ایران در مقابل صف‌آرایی همه مستکبرین جهان را باعث رشد همه‌جانبه کشور خواندند و افزودند: ملت ایران نه تنها در این رویارویی ضربه ندید بلکه در همه زمینه‌ها رشد و پیشرفت کرد.

ایشان تربیت هزاران جوان و نوجوان قاری و حافظ قرآن در سراسر کشور را نمونه‌ای از پیشرفت‌های معنوی کشور برشمردند و افزودند: در جهات مادی نیز کشور رشد کرده و کارهای گوناگون و بزرگی به دست جوانان انجام شده که این پیشرفت‌ها با توکل به پروردگار تا رسیدن ملت به نقطه اوج و مطلوب خود ادامه خواهد یافت.

در ابتدای این دیدار رئیس سازمان اوقاف و امور خیریه، گزارشی از برگزاری چهل و یکمین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن کریم با حضور قاریانی از ۲۶ کشور اسلامی در مشهد مقدس بیان کرد.

برپایه دوره‌های حفظ و تلاوت، تفسیر و آموزش، مدیریت دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم و فعالیت‌های متنوع در زمینه ترویج معارف و فرهنگ قرآنی در کشور از محورهای گزارش حجت‌الاسلام والمسلمین خاموشی بود.

در این مراسم همچنین برخی شرکت‌کنندگان برتر مسابقات بین‌المللی اخیر قرآن کریم در مشهد مقدس، آقایان:

- سید محمد حسینی‌پور، نفر اول رشته قرائت
 - استاد محمد علی جابین، داور بین‌المللی از کشور مصر
 - محمد خاکپور، نفر اول رشته حفظ کل
 - محمد حسین محمد، نفر دوم رشته قرائت از کشور مصر
 - هاشم روغنی، قاری ممتاز بین‌المللی
- و جمعی از نوجوانان ممتاز قرآنی به قرائت فرازهایی از کلام‌الله مجید و اجرای ابتهاج پرداختند.

پیشرو در منطقه در زمینه علم و فناوری شناخته می‌شود. انقلاب اسلامی هویت اسلامی و ملی را در میان ملت ایران تقویت کرد، فرهنگ اسلامی و ارزش‌های دینی در جامعه نهادینه شد و مردم ایران با تکیه بر این ارزش‌ها، توانستند در برابر تهاجم فرهنگی غرب مقاومت کنند.

پیشرفت با وجود تحریم‌ها

در طول ۴۶ سال گذشته، ایران اسلامی با وجود تحریم‌ها و فشارهای بین‌المللی، توانست از پس همه موانع بر بیاید و در بسیاری از حوزه‌ها به پیشرفت‌های قابل توجهی دست پیدا کند. پیشرفت‌های صنعت دفاعی از دیگر دستاوردهای چشمگیر ایران در طول چهار دهه گذشته و پس از انقلاب بوده است تا جایی که امروز ایران به عنوان یکی از قدرتمندترین‌ها در حوزه دفاعی هم در منطقه و هم در سطح بین‌الملل به شمار می‌رود. ایران امروز قادر است انواع سلاح‌ها، موشک‌های بالستیک، پهپادها، زیردریایی‌ها و تجهیزات نظامی پیشرفته را طراحی و تولید کند. این پیشرفت‌ها، امنیت ملی ایران را تقویت کرده و توان بازدارندگی کشور را افزایش داده است.

ایران پس از انقلاب بعد از دستیابی به استقلال و پیشرفت‌های بی‌شمار من جمله پزشکی و بهداشت، تولید دارو و تجهیزات پزشکی و واکنس سازی داشته و به خودکفایی رسیده است چنانچه شاهد بودیم در دوران همه‌گیری کرونا با وجود آنکه خیلی از کشورها حتی آنهایی که ادعای پیشرفت داشتند با معضل تأمین واکنس و دارو دست به گریبان بودند، ایران توانست با تولید واکنس‌های داخلی، گام مهمی در جهت مقابله با این بیماری بردارد. ایران اسلامی پس از انقلاب از توسعه زیرساخت‌ها، ساخت جاده‌ها، پل‌ها، فرودگاه‌ها، بندر و شبکه‌های حمل و نقل پیشرفته تا توسعه‌های گسترده در حوزه انرژی، هسته‌ای و حتی فرهنگ و هنر تحولات عمیقی ایجاد کرد. آغاز دهه فجر با ورود تاریخی امام به ایران یادآور روزهای شیرین اما پر تلاطمی است که ایران امروز را در جایگاه بین‌المللی و منطقه‌ای کنونی رقم زده است.

آغاز ماجرای پیروزی

سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به همراه داشت. از استقلال و خوداتکایی تا ساخت موشک و فضاپیما از مهم‌ترین دستاوردهای ملتی است که ۱۲ بهمن سال ۵۷ به استقبال رهبری رفتند که سالها رنج تبعید را به جان خرید اما از راهبری مسیری نجات بخش برای مردم مسلمان ایران دست بر نداشت. بی شک یکی مهم‌ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی، استقلال ایران از سلطه قدرت‌های خارجی بود، دستاوردی که با شعار «مرگ بر آمریکا و مرگ بر استکبار» امام (ره) حالا در سراسر جهان گسترش یافته است.

استقلال پس از آزادی

پیش از انقلاب، ایران تحت نفوذ شدید قدرت‌های غربی، به ویژه آمریکا و انگلیس، قرار داشت. اما پس از انقلاب، ایران توانست با سیاست نه شرقی و نه غربی، استقلال تمام و کمال از بلوک شرق و غرب را در پیش بگیرد و از وابستگی به بیگانگان رهایی یابد. بنیان‌گذار کبیر انقلاب، عدالت اجتماعی را به عنوان یکی از اهداف اصلی خود قرار داد و پس از انقلاب، تلاش‌های زیادی برای کاهش فاصله طبقاتی و بهبود وضعیت محرومان در سرزمین پهلوئان نامدار انجام داد.

برنامه‌هایی مانند جهاد سازندگی، بسیج سازندگی و تأسیس نهادهایی مانند کمیته امداد امام خمینی (ره)، در راستای تحقق عدالت اجتماعی اجرا شدند. علاوه بر عدالت اجتماعی، انقلاب اسلامی، به زنان سرزمین هویت و جایگاه جدیدی بخشید و برخلاف تصور برخی که انقلاب را محدودکننده حقوق زنان می‌دانند، پس از انقلاب، زنان ایرانی در عرصه‌های مختلف علمی، فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی حضور پررنگی پیدا کردند و امروز در بسیاری از حوزه‌ها، از جمله دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، تولیدات و اختراعات پزشکی، نهادهای اجرایی و حتی کارآفرینی نقش فعالی ایفا می‌کنند.

ایران اسلامی پس از پیروزی انقلاب شاهد پیشرفت‌های علمی و فناوری روز افزونی بوده و توانسته در بسیاری از حوزه‌های علمی، از جمله هسته‌ای، نانو، زیست‌فناوری و هوافضا، به موفقیت‌های بزرگی دست یابد. امروزه، ایران به عنوان یکی از کشورهای

رهبر معظم انقلاب: مراقب دشمنی‌های پنهان در پشت لبخندهای دیپلماسی باشیم. دهه فجر، یادآور روزهای پرتلاطم و سرنوشت‌ساز سال ۱۳۵۷ است که در آن ملت ایران با ایستادگی و همبستگی بی‌نظیر خود، توانستند نظام شاهنشاهی را سرنگون کرده و جمهوری اسلامی را به رهبری امام خمینی (ره) بنیان‌گذاری کنند. دهه فجر از ۱۲ بهمن ماه، روز بازگشت امام خمینی (ره) به ایران، آغاز می‌شود و تا ۲۲ بهمن، یعنی آغاز ماجرای یک پیروزی شگفت‌انگیز ادامه می‌یابد. روزهایی که نماد مقاومت، استقلال و خودباوری، ایستادگی و صلابت ملتی است که در تاریخ ۴۵ ساله انقلاب دستاوردهای بی‌نظیری کسب کرده است. انقلابی که نه فقط برای ملتی در مرزهای ایران اسلامی که برای همه آزادگان در خارج مرزهای این سرزمین کهن آرمان‌ها و ارزش‌های بی‌نظیری به ارمغان آورده است.

نقطه عطف تاریخی ایران

دهه فجر نه تنها یک رویداد تاریخی، بلکه نقطه عطفی در تاریخ معاصر ایران و جهان است. در این دهه، ملت ایران با تکیه بر ارزش‌های اسلامی و ملی، توانستند نظامی را برپا کنند که بر پایه عدالت، آزادی و استقلال استوار بود. بازگشت امام خمینی (ره) به ایران در ۱۲ بهمن ۱۳۵۷، پس از سال‌ها تبعید، شور و امید بی‌نظیری در میان مردم ایجاد کرد. ایشان با سخنرانی‌های آتشین و روشنگرانه خود، مسیر انقلاب را هموار کردند و مردم را به مبارزه با ظلم و استبداد تشویق کردند. در روزهای منتهی به ۲۲ بهمن، تظاهرات مردمی به اوج خود رسید و در نهایت، با فرار شاه و سقوط نظام پهلوی، انقلاب اسلامی به پیروزی رسید. این پیروزی، نه تنها تحولات داخلی ایران را تحت تأثیر قرار داد، بلکه تأثیرات عمیقی بر منطقه و جهان اسلام گذاشت. انقلاب اسلامی ایران، الهام‌بخش بسیاری از جنبش‌های آزادی‌بخش در سراسر جهان شد و نشان داد که با اتکا به ایمان و وحدت، می‌توان بر قدرتمندترین نظام‌های استکباری غلبه کرد.

دستاوردهای انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی ایران، دستاوردهای فراوانی در حوزه‌های مختلف

رمز کاشف الکر ب بودن حضرت عباس (ع) چیست؟

محمد رضا سنگری

خبرگزاری تسنیم برای آشنایی بیشتر با فضایل و کمالات حضرت عباس علیه السلام گفت‌وگویی با دکتر محمد رضا سنگری، مدیر گروه ادبیات اندیشه پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی انجام داده است. آن طور که این پژوهشگر عاشورایی توضیح می‌دهد، امام حسین علیه السلام می‌دانستند برادرشان تا چه اندازه مطیع امر ولی و امام است و چقدر فداکار است. به همین دلیل ایشان را مأمور آوردن آب کردند تا اوج رشادت و شجاعت در میدان کربلا این طور رقم بخورد. به همین دلیل است که ما درس فداکاری و ادب را در محضر حضرت عباس علیه السلام یاد می‌گیریم که حتی اگر توانستیم و قدرت داشتیم که مقابل دشمن بایستیم، باز هم منتظر امر ولی خود باشیم.

مدیر گروه ادبیات اندیشه پژوهشگاه تأکید می‌کند: امروز هم اگر امت اسلام و ایران منتظر هستند تا ولی فقیه ما، مقام معظم رهبری اذن جهاد بدهند درسی است که حضرت عباس علیه السلام آموخته‌اند. ما یاد گرفته‌ایم که اگر رهبرمان دستور جهاد فرهنگی دادند، در این مسیر قدم برداریم. اگر فرمان جهاد اقتصادی دادند همه تلاشمان را به کار ببریم تا در این زمینه موفق باشیم. اگر حکم جهاد نظامی را صادر کردند، همه قدرت و جان و مال خود را در این راه فدا کنیم. چون این‌ها را از سقای ادب و وفاداری و شجاعت در میدان کربلا آموخته‌ایم.

● یکی از پارساترین مردم بنی هاشم

■ گفته شده که امام حسین علیه السلام در مقتل کربلا خطاب به حضرت ابوالفضل علیه السلام، «جان برادر» را به کار بردند. چه شد که امام علیه السلام درباره برادر و یار خود چنین گفتند؟ رویکرد حضرت سیدالشهدا علیه السلام نسبت به برادرشان، نشان‌دهنده مقام بسیار بالای حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام است. حتی درباره آن حضرت گفته شده که: «و کان من اعبد بنی هاشم» یعنی حضرت عباس علیه السلام از پارسایان بنی‌هاشم بودند. بنابراین ایشان نه تنها یک مرد شجاع و رزم‌آور بودند، بلکه مردی زاهد و عارف بودند که از لحاظ معنوی به بالاترین درجه‌ها رسیده بودند.

■ آیا درست است که نتیجه بگیریم بر اساس همین شجاعت و پارسایی بوده که آن طور در میدان کربلا مبارزه کردند و با وجود از دست دادن دست و چشم باز هم به مبارزه با باطل ادامه می‌دادند؟ بله، در میدان عاشورا می‌بینیم که حضرت عباس علیه السلام دست خود را از دست دادند، اما ذره‌ای ناامید نشدند. دشمن، دست دیگر ایشان را قطع کرد باز هم از پا ننشستند و مشک آب را به دندان گرفتند. زیرا رسالتی که امام حسین علیه السلام بر عهده ایشان گذاشته بودند، آوردن مشک آب بود و آن حضرت تا پای جان مطیع امر امام زمان خود بودند.

بر همین اساس است که در زیارت آن حضرت این گونه می‌خوانیم: «بِمَا صَبَرْتَ وَ اَحْتَسَبْتَ وَ اَعْتَمَّتْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ» به این معنی که: «به واسطه آن صبر و تحمل مصائبی که در یاری بردارت کردی پس دار سعادت عقبی تو را نیکوست». حتی در این زیارت شهادت می‌دهیم که آن حضرت به مقام تسلیم و وفاداری و خیرخواهی رسیده بود و این مقام را در حد کمال داشت و آن را نسبت به امام زمان خود یعنی امام حسین علیه السلام به طور کامل انجام داد.

● رمز کاشف الکر ب بودن سقای آب و ادب

■ عنوان و لقب دیگری که حضرت ابوالفضل علیه السلام را با آن می‌شناسیم، کاشف الکر ب بودن آن حضرت است به طوری که در زیارت ایشان می‌خوانیم «یا کاشف الکر ب عن وجهه الحسین». رمز و مفهوم این عبارت چیست؟

روایت‌های مستند بسیاری نشان می‌دهد که حضرت ابوالفضل علیه السلام، در هر شرایطی تابع امر امام و برادر خود یعنی امام حسین علیه السلام بودند. به اصطلاح آن حضرت حتی نمی‌خواستند به ابروی مبارک امام بیایند. نمونه بارز کاشف الکر ب بودن حضرت عباس علیه السلام را باید در واقعه عاشورا ببینیم. چون ایشان در شرایطی به رود فرات برای برداشتن آب نزدیک شدند که خودشان در نهایت تشنگی بودند. می‌توانستند از آن آب بنوشند و برای خیمه‌ها ببرند، اما چون امام خود را تشنه می‌دیدند، حاضر به این کار نشدند.

حتی جان خود را فدا کردند تا آب را به خیمه‌ها و به امام حسین علیه السلام برسانند و دست‌هایشان از تن جدا شد باز هم دست از کاشف الکر ب بودن خود برنداشتند. چشم‌ها را از دست دادند، باز هم در راه امام خود مقاومت کردند. خلق و منش دینی حضرت عباس علیه السلام آن قدر بالاست که در شأن کاشف الکر ب شدن در برابر وجه حضرت اباعبدالله علیه السلام شدند.

● چرا حضرت ابوالفضل علیه السلام مأمور آوردن آب شد؟

■ در اینجا یک پرسش مهم به ذهن خطور می‌کند، در شرایط آن جنگ نابرابر که حضرت ابوالفضل علیه السلام با آن توانایی‌های ایمانی و شجاعت می‌توانستند در برابر لشکر دشمن بایستند، چرا مأمور آوردن آب به خیمه‌ها شدند؟ چرا امام حسین علیه السلام به ایشان اجازه آوردن آب به خیمه‌ها را دادند، در حالی که آن حضرت می‌توانست وارد میدان شود و تعداد زیادی از نیروهای دشمن را از بین ببرد؟ سؤال مهمی است که نهایت ادب، وفاداری و تبعیت از امام را در شخصیت مقدس حضرت ابوالفضل علیه السلام نشان می‌دهد. حضرت عباس علیه السلام همان جوانمرد شجاع و پارسایی که می‌توانست یک‌تنه در برابر چندین لشکر بایستد و بجنگد، مأمور آوردن آب به خیمه‌ها شد. او که هر لحظه اذن شهادت می‌خواست و در انتظار بود تا امام حسین علیه السلام اجازه دهد تا به میدان

کربلا برود و از جان حق دفاع کند، در حالی انتظارش به سر آمد که امام علیه السلام به او فرمود که سراغ رود فرات برود و برای خانواده‌ها و لشکریان آب بیاورد.

درواقع امام حسین علیه السلام می‌دانستند برادرشان تا چه اندازه مطیع امر ولی و امام است و چقدر فداکار است. به همین دلیل ایشان را مأمور آوردن آب کردند تا اوج رشادت و شجاعت در میدان کربلا این طور رقم بخورد. به همین دلیل است که ما درس فداکاری و ادب را در محضر حضرت عباس علیه السلام یاد می‌گیریم که حتی اگر توانستیم و قدرت داشتیم که مقابل دشمن بایستیم، باز هم منتظر امر ولی خود باشیم.

امروز هم اگر امت اسلام و ایران منتظر هستند تا ولی فقیه ما، مقام معظم رهبری اذن جهاد بدهند درسی است که حضرت عباس علیه السلام آموخته‌اند. ما یاد گرفته‌ایم که اگر رهبرمان دستور جهاد فرهنگی دادند، در این مسیر قدم برداریم. اگر فرمان جهاد اقتصادی دادند همه تلاشمان را به کار ببریم تا در این زمینه موفق باشیم. اگر حکم جهاد نظامی را صادر کردند، همه قدرت و جان و مال خود را در این راه فدا کنیم. چون این‌ها را از سقای ادب و وفاداری و شجاعت در میدان کربلا آموخته‌ایم.

● لزوم مقابله با وهن در دین و شایعات

■ می‌دانیم که حضرت عباس علیه السلام دارای فضایل و کمالات بسیاری بودند. اما در کنار این‌ها، گاهی مطالبی در مورد آن حضرت به صورت اغراق‌آمیز عنوان می‌شود که ما را دچار اشتباه می‌کند. مثلاً گفته می‌شود آن حضرت در میدان کربلا چهارصد و پنجاه هزار نفر از لشکر دشمن را کشتند! این مطالب بر چه اساسی مطرح می‌شود و در مقابل، چه باید کرد؟

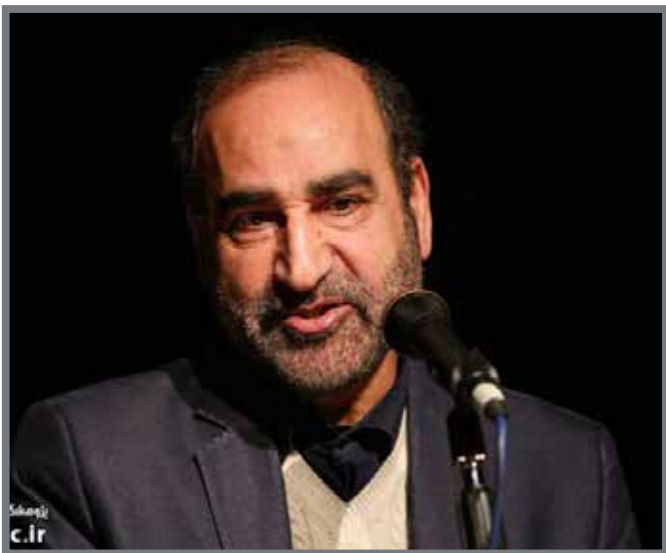
یکی از دلایل اصلی طرح این گونه مطالب غلوآمیز این است که دشمن اسلام قصد دارد حقایق دینی و تاریخی ما را به خرافات بکشد تا به مرور زمان از اساس آن‌ها را باطل بدانیم. این دشمنی بزرگی است که در حق ائمه اطهار علیهم السلام می‌شود. در مقابل باید از خودمان بپرسیم آیا اصلاً در لشکر عمر سعد چهارصد و پنجاه هزار نفر حضور داشتند که حضرت ابوالفضل با آن‌ها بجنگد؟ آیا اصلاً امکان دارد که در طول یک روز عاشورا که نهایتاً حدود هشت ساعت به طول انجامیده، آن حضرت بتواند با این تعداد روبرو شود و با آن‌ها مبارزه کند؟ مسلم است که جواب این سؤال‌ها منفی است.

در مقابل وظیفه داریم هشاری خود را حفظ کنیم. در برابر شایعات باید پاسخ درست را پیدا کرد، نه اینکه طبق میل دشمن از اصل هم منحرف شویم.

■ حتی در برخی جشن‌هایی که برای ائمه اطهار علیهم السلام گرفته می‌شود، شاهد وهن در دین و اعتقادات هستیم. به عنوان مثال عده‌ای به جای پرداختن به فضایل اخلاقی حضرت ابوالفضل علیه السلام به موضوعاتی مثل زیبایی‌های ظاهری آن حضرت می‌پردازند.

درست است. همه این‌ها مصداق وهن هستند که در عزاداری‌ها و جشن‌های ما ریشه دوانده است. می‌دانیم که حضرت عباس علیه السلام نمونه کامل خدانشناسی، جوانمردی، تبعیت از امام، وفاداری، ادب و بزرگ‌منشی هستند. اما عده‌ای غافل از این خصایل و سجایای اخلاقی که آن حضرت را به درجات بالای معنوی رسانده است، به وصف زیبایی‌های چشم و ابرو و قد و قامت می‌پردازند.

این نوع وهن را نه فقط در جشن‌هایی به مناسبت میلاد آن حضرت می‌توان دید، بلکه حتی در تمثال‌هایی که از چهره آن حضرت کشیده شده هم می‌شود مشاهده کرد. گویا برتری ایشان به زیبایی ظاهری بوده است. درست است که ایشان به عنوان «قمر بنی‌هاشم» مشهور هستند، اما این زیبایی از زیبایی باطنی و معنوی نشأت گرفته و رشد کرده است. به هر حال افراد زیبا در دنیا کم نیستند و نبوده‌اند. این نوع زیبایی کمال محسوب نمی‌شود. آن زیبایی کمال است که فرد را به اوج برساند و در مسیر حقیقت باشد.



● بصیرت حضرت عباس علیه السلام

■ در مقابل زیبایی بصر و قامت، بصیرت حضرت عباس علیه السلام بسیار مشهور است. چرا؟

امام صادق علیه السلام درباره بصیرت و هوش معنوی عمومی خود فرموده‌اند: «کان عمونا ابوالفضل العباس علیه السلام ابوالفضائل، صلب الايمان و نافذ البصيرة» درواقع آن حضرت، عمومی خود را این گونه معرفی کرده‌اند که: عمومی ما حضرت عباس علیه السلام، به درجه‌ای از معرفت رسیده بود که ابوالفضل یعنی پدر و سرچشمه فضیلت‌ها شناخته می‌شد و دارای ایمانی استوار و راسخ و بصیرت دقیق بود.

■ یکی از خصوصیات بارز و شناخته شده حضرت عباس علیه السلام که به آن اشاره کردید، وفاداری آن حضرت است. چرا این خصلت در مورد آن حضرت به طور مؤکد عنوان شده است؟ در حالی که می‌دانیم که حتی ائمه اطهار علیهم السلام هم به این صفت آراسته بودند؟

وفاداری حضرت عباس علیه السلام به این علت مورد تأکید قرار می‌گیرد که آن حضرت به شدت تابع امام حسین علیه السلام بودند و در هیچ لحظه‌ای از امر امام خود سرپیچی نکردند. ماجرای امان‌نامه‌ای از طرف لشکر ابن زیاد برای آن حضرت فرستاده شد، این مطلب را تأیید می‌کند.

این زیاد می‌دانست که حضرت عباس بسیار شجاع و دلاور است و ایمان محکمی دارد که اگر در میدان جنگ قرار بگیرد، رزم‌آوری جانانه‌ای خواهد داشت. در عین حال می‌خواست دور امام حسین علیه السلام را از مردان شجاع خالی کند. به همین علت با خودش فکر کرد چهار پسر حضرت ام‌البنین سلام‌الله علیها در کنار امام حسین علیه السلام هستند و آن حضرت به این افراد دلگرم خواهد بود. پس اگر می‌توانست این چهار مرد جوان و شجاع را از آن حضرت دور کند، به خیال خام خودش بسیار موفق می‌بود. به همین دلیل به یزید پیشنهاد داد تا به واسطه رابطه خویشاوندی که خودش یا شمر ملعون با حضرت ام‌البنین سلام‌الله علیها داشتند، برای حضرت عباس علیه السلام و چهار برادر ایشان یعنی جعفر، عبدالله و عثمان امان‌نامه بنویسد و آن‌ها را به لشکر کفر دعوت کند.

در این زمان شمر ملعون مسئول رساندن نامه شد. وقتی او در برابر یاران امام حسین علیه السلام قرار گرفت، صدا زد: «پسران خواهر ما کجا هستند؟» البته او برادر حضرت ام‌البنین سلام‌الله علیها نبود، آن‌ها از یک طایفه بودند و رابطه خویشاوندی داشتند. به همین دلیل آن بانوی بزرگوار را خواهر صدا زد.

وقتی پسران حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و حضرت ام‌البنین سلام‌الله علیها بیرون آمدند، گفتند: «چه کار داری و چه می‌خواهی؟» شمر ملعون گفت: «شما در امان هستید.» اما آن جوانمردان و در رأس آن‌ها حضرت ابوالفضل علیه السلام جواب دادند: «خداوند تو و امان‌نامه تو را لعنت کند. به ما امان می‌دهی در حالی که پسر پیغمبر خدا بی‌امان است؟! ما به امان‌نامه شمر و یزید نیاز نداریم در حالی که امان‌نامه خدا بهتر از امان شماس است.»

● حضرت عباس سلام‌الله‌علیه‌از منظر امام سجاد علیه السلام

در کتاب خصال و کتاب‌های معتبر دیگر، چندین حدیث درباره منزلت و شأن حضرت ابوالفضل علیه السلام نوشته شده است. به عنوان مثال امام زین‌العابدین علیه السلام که خودش در کربلا حضور داشته و شاهد آن وقایع بودند، درباره عمومی بزرگوارشان فرموده‌اند: «خداوند عمومی، عباس بن علی علیهما السلام را رحمت کند. به درستی که او برادرش، امام حسین علیه السلام، را بر خود مقدم داشت و امتحان داد و جان خود را در راه امام و برادرش فدا کرد تا اینکه دست‌هایش از بدن مبارکش جدا شدند. همانا عباس علیه السلام در نزد خدای متعال مقام بالایی دارد که در روز قیامت همه شهیدان آن را آرزو خواهند کرد.»



پاسدار و انقلاب

سوم شعبان سالروز ولادت حضرت اباعبدالله الحسین (ع) و نامگذاری این روز به نام روز «پاسدار»، دارای مفهوم بلند و عمیقی است که نشان‌دهنده وجود اندیشه جهاد و روحیه از خودگذشتگی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. با بررسی چهار دهه از فعالیت پاسداران تنها به گوشه کوچکی از این فعالیت‌ها اشاره می‌شود:

الف - تأمین امنیت: باید اذعان داشت تأمین امنیت در جامعه و در برابر بحران و آسیب‌های داخلی و خارجی همواره یکی از دغدغه‌های مردم و مسئولان جامعه بوده است. تأمین امنیت کشور یکی از کارهای ویژه سپاه به حساب می‌آید که با راهکارهایی در جهت توانمندسازی دفاعی و امنیتی کشور شامل حفظ وحدت و پرهیز از تفرقه در سطح ملی و بین‌المللی، شناسایی تهدید و دشمن در ابعاد نظامی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و عکس‌العمل‌های لازم در مقابل این تهدیدها و بالا بردن آمادگی نظامی به منظور بازدارندگی و خنثی‌سازی حملات و توطئه‌ها در این ۴۶ سال از انقلاب تاکنون پیش برده است.

از طرف دیگر، باید اذعان داشت پس از پیروزی انقلاب اسلامی، احزاب و گروه‌های سیاسی و نظامی مخالف نظام همچون حزب توده، سازمان مجاهدین خلق، چریک‌های فدائی خلق، سازمان پیکار، حزب دموکرات کردستان و دیگر گروه‌هایی که از گوشه گوشه این مرز و بوم مدعی استقلال بودند، فعالیت‌های گسترده‌ای آغاز کردند و گاهی این فعالیت‌ها از ترور و ارباب شخصیت‌ها و مردم عادی فراتر می‌رفت و ناامنی و آشوب بزرگی در کشور حاکم می‌کرد. این وضعیت با روحیه شهادت‌طلبی پاسداران و تلاش شبانه‌روزی سپاه با همراهی با نهادهای انقلابی از بین رفت و کشور طعم امنیت را به معنای واقعی کلمه چشید.

ب - جهاد علمی: سپاه و سپاهیان در عرصه علمی و فناوری هم خدمات بی‌شماری در ارتقای جایگاه علمی کشور داشته‌اند. از تولید نانو دارو تا ساخت واکسن و ربات‌های پزشکی و دستیابی به هوش مصنوعی و به‌کارگیری آن همه و همه با تلاش این نهاد در کشور پیش برده شده است.

ج- خدمت به محرومان: سپاه همواره صف اول خدمت‌رسانی و محرومیت‌زدایی در مناطق کم برخوردار و روستاها و نقاط محروم کشور از روستاهای کپرنشین تا صعب‌العبور کوهستانی بوده و هست تا جایی که سپاه ارمغان‌آور عمران و آبادانی در کشور بوده و هر جا نامی از افتتاح یک جاده کاربردی یا یک مکان فرهنگی و خدمت‌رسان در میان است، بی شک نام سپاه می‌درخشد. پاسداران سبزپوش کشورمان در عرصه کمک‌رسانی و امداد در مواقع بحران همواره در میدان عمل بوده‌اند.

ابعاد و فرایند بحران سوریه - بخش دوم

هادی معصومی زارع

این تفاوت نگاه آقای معصومی زارع با نگاه رسمی در جمهوری اسلامی از یک سو و نگاه رسمی در غرب از سوی دیگر است. فرایند واقعی و مردمی‌ای در آنجا وجود داشته و شکی در آن نیست، اما کسانی که از ابتدا این واقعیت را انکار می‌کنند، وارد تنوری توطئه می‌شوند و قصه ساده‌شده‌ای را ارائه می‌دهند که از ابتدا کسانی که در خیابان بوده‌اند، اغتشاشگر، دشمن، دست‌نشانده غرب، مزدور و تروریست بوده‌اند. این نگاه با روایتی که در جمهوری اسلامی و نیز در خود سوریه وجود دارد، کاملاً متفاوت است. این روایت ساده‌سازی می‌کند و می‌گوید که از ابتدا آن‌ها چنین بودند. همچنین اینکه بگویند از ابتدا این انقلاب توسط اسد سرکوب شد و باعث رادیکال شدن آن‌ها شد، نیز دروغ است. از همان ابتدا پروژه‌های امنیتی و فراملی در کار بود.

من مردم وارد شده به خیابان‌ها را عامل بیگانه یا اسرائیل نمی‌بینم. این مردم مطالبات یحقی دارند که به دنبالش هستند. اینکه آیا این مطالبات به تدریج قابل تحقق بود یا نه، و آیا به زمان نیاز داشت، موضوع دیگری است؛ اما اینکه بگوییم جرقه آغازین که خصوصاً در درعا شکل گرفت و در روزها و هفته‌های پس از آن در سایر شهرها و استان‌های سوریه، توطئه مستقیم اسرائیل یا آمریکا بود، من این را نمی‌پسندم.

تعجب کردم که برخی گفته‌اند که من در حال توجیه هستم. وقتی گفتم که استبداد در سوریه وجود داشت، دیگر چه چیزی می‌خواهم توجیه کنم یا از چه چیزی دفاع کنم؟ من اتفاق سوریه را برخلاف دیدگاه انقلاب‌گران، همانند همه انقلاب‌های عربی ۲۰۱۱ می‌بینم؛ انقلابی شریفی با خواسته‌های شرافتمندانه. این نظر من به مردم کف میدان مربوط می‌شود. اما اگر بخواهیم لایه‌های پروژه‌ای را باز کنیم، اتفاقاً شاید یکی از کشیف‌ترین جنگ‌هایی بوده که در منطقه ما شکل گرفته است و متأسفانه پیمانکاران حتی به نیروهای خود نیز رحم نکردند (مثل داستانی که در آینه بازگو خواهیم کرد، بلایی که سعودی‌ها سر معارضان تحت حمایت خود در غوطه شرقی دمشق آوردند، چگونه آن‌ها را سرکوب کردند و نامه‌ی مذذرت‌خواهی خود را در سال ۲۰۱۵ به نظام سوریه ارسال کردند). تفکیک میان خواسته‌های واقعی مردم و ورود سرویس‌های اطلاعاتی به بحران یکی از مسائلی است که به ما کمک می‌کند تا فهم بهتری از بحران داشته باشیم.

من این را متوجه نمی‌شوم. من در اطراف خود هیچ فردی نمی‌شناسم که معتقد باشد کسانی که در مرحله اول اعتراضات و ناراضی‌ها در سوریه شرکت کردند، جاسوس اسرائیل یا دشمن خارجی بوده‌اند. حتی فلسطینیان مقیم سوریه و اردوگاه‌های این کشور را دیدیم که در خط مقدم تظاهرات و اعتراضات علیه نظام اسد بودند و معتقد بودند که اسد خود سازشکار است.

بنده معصومی به عنوان یک پژوهشگر و فردی که مسئولیتی در این زمینه ندارم (هم شخص حقیقی و هم شخص حقوقی نیستیم)، مجدداً تأکید می‌کنم که آن چیزی که در سوریه اتفاق افتاده در ذات خودش یک انقلاب بود. اما متأسفانه این انقلاب در سریع‌ترین شکل ممکن مصادره شد و بعد از مدتی تبدیل به باشگاه پیمانکاران امنیتی در سوریه گردید؛ هرچند نامش را انقلاب می‌گذارند. خود من به‌طور شخصی این موضوع را بارها به معارضان سوری گفته‌ام و بسیاری از آن‌ها به این حقیقت اعتراف کرده‌اند که وقایع سوریه به سرعت از شکل انقلاب خارج شده و تبدیل به ابزاری در دست سرویس‌های اطلاعاتی شد.

چه کسی بیشتر در این پروژه نقش داشت؟ اسرائیل، سعودی، آمریکا و...؟

به این نتیجه می‌رسم که تفاوت نگاه سعودی‌ها با ترک‌ها چگونه است. عرض کردم که ما سند سازمان سیا را مشاهده کردیم. تمام طرف‌های ذینفع از همان روزهای ابتدایی وارد این پرونده شدند و مهم‌ترین کاری که انجام دادند، بسیج رسانه‌های گسترده برای تهییج مردم بود و نپذیرفتن هرگونه راه‌حل میانه و مسالمت‌آمیز که منجر به اصلاحات درون نظام و حفظ هویت مقاومتی نظام در سیاست خارجی می‌شد. به جایی می‌رسیم که طرف‌های خارجی حاضرند به نظام بشار اسد امتیازات زیادی بدهند، اما بشار اسد باید ویژگی‌های مقاومتی خود را کنار بگذارد و آن زمان نقش آن‌ها کاملاً پررنگ می‌شود.

طرف‌هایی که جنگ را تأمین کردند، همان‌هایی بودند که باعث شدند تا دموکراسی‌خواهی در منطقه و به‌ویژه در جهان عرب برای دهه‌ها به تعویق بیفتد. این جریان‌ها حتی در عراق نیز چنین رویکردی داشتند؛ از ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۵ هزاران انتحاری به عراق فرستادند تا نظام دموکراتیک را در عراق ساقط کنند. در ویرترین این جریان‌ها می‌گفتند «نظام نزدیک به ایران»، اما در واقع از «نظام دموکراتیک» ترس داشتند. حتی اگر این نظام سنی دموکراتیک هم بود، آن‌ها به آن راضی نمی‌شدند، چون اساس دموکراسی برای آن‌ها بزرگ‌ترین تهدید بود. بنابراین بحران سوریه باید ایجاد می‌شد تا نظام‌های استبدادی عرب از مصونیت و ایمنی برخوردار شوند.

هرچند ایران تلاش‌های صادقانه‌ای در ماه‌های ابتدایی بحران انجام داد تا مسئله از طریق مذاکره و به‌طور مسالمت‌آمیز حل شود و خود را به‌عنوان ضامن اجرا معرفی کرد، اما معارضان به من گفتند که معارضان تحت تأثیر کشورهای خارجی (بیشتر کشورهای حاشیه خلیج فارس) نهایتاً طرح ایران را نپذیرفتند. با اینکه ملک عبدالله، پادشاه سعودی در روزهای ابتدایی با بشار اسد تماس گرفت و از او حمایت کرد، اما زمانی که حس کرد اخوانی‌ها، ترکیه و قطر پرونده سوریه را در دست گرفته‌اند، سیاست‌های خود را تغییر داده و فشار آوردند تا مسئله وارد مرحله امنیتی‌تر و خیابانی‌تر شود. تا اینکه مسیری که ترک‌ها



زهران علوش " سرکرده گروه تروریستی موسوم به جیش الاسلام در سوریه که به صورت مستقیم از سوی عربستان سعودی حمایت مالی و تسلیحاتی می‌شد

می‌دانستند و نگران بودند که این آتش بعداً به خود سعودی هم کشیده شود. پس این دو خط را نباید یکی بگیریم، اگر چه بعد هر دو علیه اسد شدند، ولی در ابتدا یکی از آنها علیه اسد نبود. اما چرا پای سعودی‌ها به این شکل به پرونده سوریه کشیده شد؟ دو دلیل داشت. اولی مسئله کوتاه کردن دست ایران و دومی، مسئله رقابت با محور اخوانی (قطر و ترکیه). سعودی‌ها احساس می‌کردند که اگر دیر وارد بازی شوند، بازی را به قطری‌ها و ترک‌ها می‌بازند. بنابراین، شاید از اواخر آوریل لحن سعودی‌ها تغییر کرد. از ماه سوم و چهارم که احساس کردند از ترک‌ها و قطری‌ها عقب می‌افتند، آن‌ها نیز وارد مرحله حمایت مسلحانه از معارضان شدند، با تزریق پول به طور رسانه‌ای. شروع به حمایت از معارضان، ارسال اسلحه و حمایت‌های رسانه‌ای جدی در عربیه و الحدث و دیگر رسانه‌ها کردند. تقریباً بخش مهمی از تسلیحات و مهمات وارد شده از طرف سعودی‌ها بود. جالب اینجاست که سعودی‌ها در تعارض با ترک‌ها، گروهی مثل جیش الاسلام را در غوطه شرقی دمشق ایجاد کردند. گروه‌های مختلف را یکپارچه کردند و پول سنگین و تسلیحات مختلف را تزریق کردند. از ماه پنجم و ششم به طور جدی وارد شدند.

تمام این سال‌ها، اماراتی‌ها و سعودی‌ها کمتر وارد شدند و حتی سعودی‌ها تا حدی کینال ارتباطی خود را با نظام سوریه باز نگه داشتند، چرا که اساساً در محور ضد انقلاب بودند. اما از ۲۰۱۵ به بعد، زمانی که متوجه شدند اسد ساقط‌شدنی نیست و تحولات در سوریه به سود ایران در حال تغییر است (ایران که تا پیش از ۲۰۱۱ تنها ۳٪ حوزه نفوذ در سوریه داشت، اکنون ۶۰-۷۰٪ حوزه نفوذ پیدا کرده بود)، و همچنین وقتی متوجه شدند که ترک‌ها و قطری‌ها در حال به دست گرفتن قدرت در سوریه هستند و گروه‌های جهادگرای سلفی که می‌توانند تهدیدی برای کشورهای حاشیه خلیج فارس باشند، رشد می‌کنند، تغییر موضع دادند. نام‌های که سرویس اطلاعاتی سعودی به سرویس اطلاعاتی سوریه ارسال کرد، که خودم به طور مستقیم از یک منبع معتبر خوانده‌ام و هنوز منتشر نشده، حاکی از این است که سعودی‌ها رسماً از سوری‌ها عذرخواهی کردند و به اشتباهی که مرتکب شده بودند، اعتراف کردند. این نامه به‌عنوان هدیه‌ای برای بهبود روابط به نظام سوریه ارسال شد.

اما درخصوص ترور زهران علوش، باید بگویم که برخی افراد می‌گویند این موضوع قبلاً در مصاحبه‌های عربی ذکر شده بود. این همان چیزی است که آقای ایمن ظواهری، رئیس القاعده، نیز مطرح کرده بود. همچنین روزنامه یینی شفق ترکیه به این موضوع اشاره کرده بود که امارات پشت پرده ترور زهران علوش بوده و حتی تلفن ماهواره‌ای او را ردیابی کرده بود. در واقع، هر کدام از طرف‌ها به‌طور تحلیلی این موضوع را مطرح کرده‌اند. اما آنچه که من بیان می‌کنم، نام‌های است که سعودی‌ها به نظام سوریه ارسال کردند و در آن از سوری‌ها عذرخواهی کرده و به اشتباه خود اعتراف کرده‌اند. در این نامه، سعودی‌ها گریز زهران علوش را به روس‌ها داده‌اند و آن‌ها نیز وی را هدف قرار داده‌اند. شاید این اولین بار باشد که این موضوع را می‌شنوید، چرا که در رسانه‌ها گفته شده که پروازهای ایرانی گرا را به روس‌ها داده‌اند و روس‌ها علوش را زدند. اما واقعیت این است که سعودی‌ها این اطلاعات را به روس‌ها داده‌اند تا روابط خود را با نظام سوریه بهبود بخشند.

در مورد درس‌های جنگ سوریه، باید گفت که این جنگ مانند یک بازی پرسپولیس-استقلال نیست که بگوییم برنده شديم و تمام شد. اگر چه در میدان جنگ پیروز شده‌ایم، اما این پیروزی هزینه‌های سنگینی داشت. اگر با چشمی از پیروزی نگاه کنیم، باید با چشم دیگر هم اشک بریزیم برای ۵۰۰ هزار نفری که جان خود را از دست دادند، کشوری که نابود شد، و ۱۰ میلیون نفری که آواره شدند. این جنگ به هیچ وجه پیروزی و شکست به معنای معمول نداشت. از این رو، شاید بتوان گفت که در این جنگ همه بازنده بودند، حتی اگر نظام اسد باقی ماند. در این جنگ، کسی برنده نشده است، جز شاید اماراتی‌ها که از ابتدا پروژه‌های متفاوت داشتند و نه خود را درگیر معارضان کردند و نه درگیر نظام. آن‌ها با هر دو طرف بازی کردند.

ایران نیز هزینه‌های سنگینی پرداخت و این را مقامات و مسئولین درک می‌کنند. هیچ چیزی به اندازه جنگ سوریه به پرستیژ ایران در جهان عرب و جهان اهل سنت آسیب نزد. این جنگ چیزی نبود که ایران بخواهد، بلکه جنگی تحمیل شده بود. بنابراین به نظر من، هیچ‌کس از این جنگ پیروز بیرون نیامد، جز شاید اماراتی‌ها.



مقاومت و معادلات منطقه‌ای مردم محور

هادی محمدی

نسل‌کشی ۱۵ ماهه رژیم صهیونی که از حمایت مطلق آمریکا و غرب برخوردار بود، با همه وحشی‌گری و استکبار و نژادپرستی نازیستی، حتی با آمدن ترامپ هم مجبور شد تا بازندگی هجومی و ویرانگر را ناکارآمد دیده و در مقابل اراده مردمی که پایه همه مقاومت‌های منطقه‌ای است، تسلیم شود. دستگاه‌های اطلاعاتی آمریکایی در گزارش خود به این جمع‌بندی رسیدند که نسل‌کشی وحشیانه صهیونی و حمایت متکبران غربی، فقط به انگیزه‌های مردمی برای حمایت از مقاومت و پیوستن به آن افزوده و در غزه این گرایش و عضویت چهار برابر شده است، که نماد آن با عملیات‌های مقاومت در جبالییا و بیت‌حانون، به بن‌بست‌سازی نظامی برای یگان‌های کماندویی ارتش صهیونی و تلفات فوق‌العاده و خسارت‌های جدی به نمایش گذاشته شد.

این نمایش قدرت که کابینه نتانیاهو را با گریه به تصویب طرح آتش‌بس مجبور کرد و نماینده ترامپ اعلام کرد یا آتش بس را بپذیرد یا به خانه‌های تان بروید، در سه هفته گذشته با جشن پرشکوهِ و تاریخی و پیروزی مردم در بازگشت به مناطق شمالی آن تکمیل شد و مقاومت نشان داد با همه وحشی‌گری صهیونیست‌ها، از سازمان و انضباط و برنامه و امکانات کافی برای بلعیدن متجاوز و اشغالگر برخوردار است. این اقتدار مقاومت چیزی نیست جز تجلی پایداری و صبوری و تحمل وحشیانه‌ترین نسل‌کشی تاریخی توسط مردم و در مقابل ارتش صهیونی، که لحظه لحظه شادی و حرکت مردم غزه، بر عذاب صهیونیست‌ها افزود.

در لبنان نیز رژیم صهیونی با تحمل خسارت‌های گوناگون اقتصادی، سیاسی و تلفات و خسارت بنیه نظامی و تسلیحاتی و با وجود روش‌های تروریستی به ابزارهای غیرقانونی در عرف قوانین جهانی و هدف قرار دادن رهبران سیاسی و نظامی حزب‌الله، ناچار به پذیرش آتش‌بس شده ولی برای کاستن از تحقیر و پیامدهای شکست و با حمایت اغماض گونه آمریکا و فرانسه، طی ۶۰ روز مهلت آتش‌بس، به نقض بیش از هزار بار از مفاد آتش‌بس و رفتار یکجانبه برای باقی ماندن در خاک لبنان یا اجرای حملات مستمر علیه حزب‌الله، با موج قدرتمندانه حرکت مردمی مواجه شد.

ارتش صهیونی که چند دهه با قدرت حزب‌الله و پایداری مردم جنوب لبنان آشنا بود، این بار در نمایش اراده مردمی که یادآور فرار آنها در سال ۲۰۰۰ از جنوب لبنان بود، ناچار به تخلیه بسیاری از مناطق لبنان شده و اصرار دارند تا حقارت شکست خود را با اشغال پنج نقطه در جنوب لبنان جبران کنند. اراده مردم لبنان که تجلی آن در مقاومت حزب‌الله متبلور است با تقدیم شهدا و مجروحین خود، ارتش صهیونی را مغلوب نموده و با هشدار صریح دبیرکل جدید حزب‌الله مبنی بر انکشاف مشروع خود به تجاوز و اشغالگری جدید صهیونیست‌ها، مواجه نموده است.

بدیهی است که ترامپ نیز که قصد دارد قهرمان جدیدی در کاخ سفید باشد و نظامی‌گری کور را برای مصالح و منافع خود و صهیونیست‌ها زیانبار می‌داند با اعزام ویتکوف به منطقه به دنبال حل‌وفصل این ماجراجویی صهیونی در غزه و لبنان است. صهیونیست‌ها که قادر به تحمل پیروزی و شادی مردم غزه و لبنان نبوده و به دنبال بهانه‌جویی فطری خود هستند تا نتانیاهو با سقوط حکومت مواجه نشود، ادامه جنگ‌افروزی و برهم زدن توافقات آتش بس را در دستور دارند ولی امروز به خوبی مشاهده می‌کنند که حتی مواضع قلدرمابانه ترامپ برای اخراج ۱/۵ میلیون فلسطینی به مصر به اردن و دیگر کشورها، با مخالفت روبه‌رو شده و امتداد اراده مردمی در مصر و اردن و منطقه و به ویژه در لبنان و فلسطین، یکی از چالش‌های اساسی آمریکا و رژیم صهیونی برای سامان دادن به معادلات جدید در منطقه و جان دادن مجدد به رژیم صهیونی است. مقاومت در غزه و لبنان و در منطقه آماده‌اند درس عبرت مهلک جدیدی برای صهیونیست‌ها و آمریکا در منطقه باشند.



اعتماد عمومی تحت تاثیر عملکرد نهادهای اقتصادی است

ایمان زنگنه

زنگنه تضمین امنیت سرمایه گذاران بخش خصوصی را به عنوان راهکار اصلی برای تزریق ارزهای خانگی به بازار معرفی کرد و گفت: این راهکار با تاکید بر اعتمادسازی در بخش عمومی، زمینه را برای اجرای سیاستهای اقتصادی موثر فراهم می‌کند. از دیدگاه کارشناسی، تقویت اعتماد عمومی، عامل کلیدی در جلب مشارکت مردم و بهبود عملکرد اقتصادی است.

وی با بیان اینکه تجارب گذشته نشان داده است که اعتماد عمومی به شدت تحت تاثیر عملکرد نهادهای اقتصادی است، اظهار کرد: در دوره‌هایی که اعتماد مردم به دستگاههای اقتصادی آسیب دیده است، به ویژه به دلیل عدم تحقق تعهدات، مشارکت آن‌ها در برنامه‌های اقتصادی به شدت کاهش یافته است.

وی با ذکر نمونه ای ادامه داد: به عنوان مثال، آمارهای مربوط به استقبال از اوراق ارزی در سال‌های اخیر حاکی از این است که مردم در پی تجارب ناخوشایند گذشته، تمایل کمتری به مشارکت در طرح‌های دولتی دارند. در مقابل، در مواردی که اعتماد عمومی وجود داشته، مردم با تمایل بیشتری در برنامه‌های اقتصادی شرکت کرده و سپرده‌های ارزی خود را در بانک‌ها نگاه‌داری کرده‌اند.

این کارشناس مسائل پولی و بانکی ارزش پول ملی در اقتصادهای بین‌المللی را تحت تاثیر عوامل متعددی دانست و بیان کرد: از زمان شکل‌گیری تجارت بین‌الملل، نیاز به تبادل ارزها به عنوان ابزار پرداخت شکل گرفت. این تبادل، نیازمند وجود ارزهایی است که به طور گسترده پذیرفته شوند. در حال حاضر، دلار آمریکا به عنوان یکی از ارزهای رایج بین‌المللی نقش مهمی ایفا می‌کند. همچنین، تلاش‌هایی در جهت جایگزینی ارزهای دیگر یا ایجاد واحدهای پولی جدید مانند واحد پولی بریکس در حال انجام است.

وی با اشاره به این حقیقت که ارزش یک ارز، به قدرت خرید آن باز می‌گردد، عنوان کرد: به عبارت دیگر، ارزی نیرومند است که با آن بتوان کالا و خدمات بیشتری را خریداری کرد. همچنین، ثبات یکی از عوامل مهم در تعیین ارزش یک ارز است. این ثبات، تا حد زیادی به تولید ملی و رشد اقتصادی یک کشور وابسته است.

زنگنه در مصاحبه تلفنی با رادیو گفت‌وگو اشاره کرد: کشورهایی که رشد اقتصادی مستمر و تولید ملی نیرومندی دارند، معمولاً ارزهای پایدارتری نیز دارند. در مقابل، کشورهایی که با رکود اقتصادی، تلاطمات سیاسی و عدم پیش‌بینی پذیری اقتصادی روبرو هستند، ارزش پول ملی آن‌ها با نوسانات بیشتری مواجه است.

وی یکی از مولفه‌های اساسی در تعیین قیمت ارز را انتظارات و عوامل برشمرده و تصریح کرد: انتشار اخبار مثبت، مانند توافقات بین‌المللی یا گشایش‌های اقتصادی، می‌تواند باعث تقویت ارزش پول ملی شود. برعکس، اخبار منفی یا تزلزل در ثبات سیاسی و اقتصادی، می‌تواند منجر به کاهش ارزش پول ملی شود. اثرات روانی این اخبار، به طور قابل توجهی در نوسانات قیمت ارز نقش دارند.

این کارشناس مسائل پولی و بانکی اشاره کرد: اگرچه نمی‌توان به طور دقیق سهم هر یک از عوامل بین‌المللی را در نوسانات ارزش پول ملی تعیین کرد اما مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که تفاضل تورم بین دو کشور، نقش مهمی در این زمینه دارد. به عنوان مثال، اختلاف تورم بین ایالات متحده و ایران می‌تواند به طور تقریبی نشان دهد که چرا برابری ریال در برابر دلار کاهش یافته است. اما در کنار عوامل واقعی، عوامل روانی نیز نقش موثری در تعیین قیمت ارز دارند.

وی با بیان اینکه بهبود وضعیت ارزش پول ملی و بازگرداندن اعتماد عمومی، اقدامات اساسی نیاز است، عنوان کرد: ایجاد تضامین اطمینان‌بخش برای سپرده گذاران ارز، تسهیل ورود ارزهای نگهداری شده در منازل به چرخه اقتصاد، تقویت تولید ملی و ایجاد رشد اقتصادی مستمر، ایجاد ثبات سیاسی و اقتصادی و کاهش تلاطمات و همراهی مردم با دولت در راستای بهبود وضعیت اقتصادی کشور از عوامل مهم در افزایش ارزش پول ملی است.

واگذاری ایران خودرو به شرکت کروز موجب انحصارگرایی می‌شود

مصطفی طاهری



اساساً آیا یک شرکت تولیدی نباید سود کند؟ حال اینکه زورتان به ایران خودرو رسیده و این شرکت دچار زیان شده است، آیا بقیه هم باید زیان کنند؟ از طرفی دیگر، شرکت‌ها چند برابر قیمت می‌فروشند، چرا در این چند سال که بالاخره دولت مسئول بوده، جلوی این کار گرفته نشده است؟ موضوع که مربوط به امروز و دیروز نیست.

وی با طرح این سوال که بالاخره باید شرکت‌های ایران خودرو و سایر را خصوصی کنیم یا خیر، بیان کرد: می‌دانیم که باید خصوصی شوند. اصل ۴۴، سیاست‌های اصل ۴۴، دستور رئیس‌جمهور قبلی و فعلی و تاکید مقام معظم رهبری را در این خصوص دارند؛ پس باید این اتفاق رخ دهد. حال فرض کنید ایران خودرو، دیگر دست شرکت کروز نباشد. چه باید باشد؟ مثلاً فرض کنید یک خودروساز دیگر بیاورد سهام را بخرد. در این صورت انحصار افزایش می‌یابد. اگر یک استارت‌آپ دیگر بیاورد و سهام را ببرد، باز هم همین شرایط حاکم خواهد شد.

این کارشناس اقتصاد خودرو افزود: اگر یک تولیدکننده ماکارونی بیاورد و سهام را بخرد، شما خواهید گفت اهلیت ندارد. پس چه باید کرد؟ به نظر بنده، مشکل اصلی در اینجا نیست. نگرانی آقای دکتر هم نگرانی بجایی است، اما نگرانی بالاتری وجود دارد و آن این است که دولت می‌خواهد چه کار کند؟ تمام این مواردی که گفته شد، در عملیات صحیح واگذاری قابل حل است و باعث آرامش خاطر خواهد شد. به عنوان مثال، دولت می‌تواند شرط بگذارد و بگوید: اولاً، چون مالکیت مطرح نیست و مدیریت مطرح است، مثلاً فرض کنید شما حق ندارید سهم خود را که اکنون ۵ درصد است، در ۱۰ سال آینده بیشتر کنید. این چه نوع خصوصی‌سازی است؟ من شرط بگذارم و بگویم به شما می‌فروشم؟

وی در خصوص کشورهای دیگر اظهار کرد: در کشورهایی مانند آلمان که خصوصی‌سازی صورت گرفته، ما فقط بخش ناقص آن را برداشته‌ایم. خصوصی‌سازی دارای شرط و شروط است. به عنوان مثال، وقتی کسی ۱۰۰ هزار متر زمین صنعتی دارد، حق ندارد تا ۲۰ سال آینده آن را تبدیل به چلوکبابی کند. به عنوان مثال شما وقتی زمینی را به پمپ بنزین تبدیل می‌کنید، می‌دانید تا ۵۰ سال حق تغییر کاربری ندارید. با وجود اینکه خصوصی است. پس شدنی است و از نظر قانونی هیچ مشکلی ندارد. متأسفانه دولت، در این سال‌ها تماشا کرده است؛ نه یک دولت خاص، بلکه همه دولت‌ها. و در رابطه با بحث تنظیم‌گری، هیچ اقدامی نکرده است.

برنامه «بدون خط خوردگی» رادیو گفت‌وگو در خصوص واگذاری ایران خودرو به شرکت کروز با دکتر مصطفی طاهری عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس شورای اسلامی و امیرحسین کاکایی کارشناس اقتصاد خودرو به صورت تلفنی گفتگو کرد.

طاهری در خصوص مخالفت‌ها با واگذاری ایران خودرو به شرکت کروز گفت: در حال حاضر، شرکت کروز عمده تأمین‌کننده قطعات خودرو برای شرکت ایران خودرو محسوب می‌شود. متأسفانه، این شرکت سهامدار نیز هست. در هیچ کجای دنیا مرسوم نیست که یک شرکت مستقل قطعه‌ساز، سهامدار شرکت خودروسازی باشد.

وی افزود: حال اگر سهام خودروسازی به فردی واگذار شود که خود قطعه‌ساز و تأمین‌کننده قطعه است، این امر موجب حذف رقابت در بخش‌هایی از قطعات خودرو می‌شود و این مسئله به معنای انحصارگرایی است. بدین ترتیب، منافع به شخصی تعلق می‌گیرد که قطعات را از مجموعه خود تهیه می‌کند. این در حالی است که زنجیره تأمین خودرو، شامل تعداد زیادی قطعه‌ساز است که در این شرایط، دچار آسیب خواهند شد. به عنوان مثال، یک خودرو از حدود ۳۰۰۰ قطعه تشکیل شده است که شامل بخش‌های برقی، مکانیکی و سایر موارد می‌شود. بنابراین، انحصار در این شرایط افزایش می‌یابد.

عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس در مصاحبه تلفنی با رادیو گفت‌وگو با اعلام این موضوع که در حال حاضر نیز قطعاتی که شرکت کروز به ایران خودرو عرضه می‌کند، به صورت بسته‌ای است، افزود: به طور مشخص قطعاتی در بخش برق وجود دارد که فقط توسط این شرکت تأمین می‌شود. در این شرایط، تولیدکننده مجبور به خرید قطعات مذکور جهت تکمیل خودرو است. در حالی که ممکن است قطعات مشابهی توسط سایر تأمین‌کنندگان با قیمت و کیفیت مناسب‌تری عرضه شود، اما به دلیل انحصار، تولیدکننده مجبور به خرید از یک شرکت خاص است. به عنوان مثال، در برخی موارد، تولیدکننده مجبور به خرید مجموعه قطعات است تا شرکت کروز اجازه فروش یک قطعه را بدهد.

طاهری به موضوع قیمت قطعات اشاره و بیان کرد: بنده مدتی پیگیر این قضیه بودم تا دریابم که آیا به جز تورم که باعث افزایش قیمت خودرو می‌شود، عوامل دیگری نیز در گرانی خودرو تاثیر دارند یا خیر؟ بررسی‌ها نشان داد تأمین‌کنندگانی وجود دارند که قیمت قطعات آن‌ها در مقایسه با قطعات وارداتی به طور قابل توجهی گران‌تر است. گاهی اوقات قیمت قطعات تولید داخل تا ۱۰ برابر گران‌تر از قطعات وارداتی است. این موضوع نشان می‌دهد که خرید قطعات گران‌تر توسط خودروساز، ناشی از آن است که این قطعات از سهامدار همان شرکت خریداری شده و این امر موجب افزایش غیر منطقی قیمت خودرو می‌شود.

در ادامه امیرحسین کاکایی در مصاحبه تلفنی با رادیو گفت‌وگو با بیان اینکه شرکت کروز هم‌اکنون سهامدار ایران خودرو است، گفت: اشاره شده است که شرکت کروز سود کرده است، اما سوال اینجاست که آیا بقیه قطعه‌سازها سود نکرده‌اند؟



زغال سنگ؛ فرصت هدر رفته ایران

مصطفی عباسیان

ایران با وجود داشتن ۱۲ میلیارد تن ذخیره زغال‌سنگ، از این منبع ارزشمند انرژی کمترین استفاده را می‌کند. در حالی که بسیاری از کشورهای جهان از زغال‌سنگ در سبد انرژی خود بهره می‌برند، ایران تاکنون حتی یک نیروگاه زغال‌سوز را راه‌اندازی نکرده است.

بررسی آمارها نشان می‌دهد که گاز طبیعی ۶۷.۶۶ درصد و نفت با ۳۰.۵۸ درصد بیشترین سهم را در سبد انرژی کشور دارند. در مقابل، سهم زغال‌سنگ تنها به ۰.۳۶ درصد محدود می‌شود که نشان‌دهنده عدم توجه جدی به این منبع انرژی است.

مهم‌ترین دلایل این وضعیت شامل سیاست‌های یارانه‌ای نامناسب، هزینه‌های بالای سرمایه‌گذاری، نبود زیرساخت‌های مناسب و اولویت‌بندی غلط در سیاست‌گذاری انرژی کشور می‌شود. به طوری که هزینه زغال‌سنگ تا شش برابر گاز یارانه‌ای است و این موضوع توجیه اقتصادی استفاده از آن را کاهش می‌دهد.

برای بهبود این وضعیت، اصلاح ساختار یارانه‌های انرژی و ایجاد مشوق‌های سرمایه‌گذاری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تدوین سند جامع توسعه زغال‌سنگ با نگاه اقتصادی و زیست‌محیطی، گسترش همکاری‌های بین‌المللی در حوزه اکتشاف و استخراج و سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوین فرآوری زغال‌سنگ از دیگر راهکارهای پیشنهادی است. همچنین توجه به ظرفیت‌های صادراتی و ایجاد ارزش افزوده در زنجیره تولید می‌تواند چشم‌انداز روشنی را برای توسعه این بخش از صنعت انرژی کشور ترسیم کند.

تغییر در قراردادهای ملکی باعث شفافیت بیشتر می‌شود

داوود بیگی‌نژاد



خواهد کرد.

وی در خصوص قولنامه‌ها اشاره کرد: قانون الزام وظیفه‌ای را برای سازمان ثبت اسناد و املاک کشور مشخص کرده است که بر اساس آن باید سامانه ثبت ادعا راه‌اندازی شود. در این سامانه، مردم دو سال فرصت دارند تا اسناد عادی یا قولنامه‌های خود را بازگرداری کنند. پس از آن، سازمان چهار سال فرصت دارد تا به این اسناد رسیدگی کند. در نهایت، این اسناد عادی از طریق سامانه‌ای که سازمان ثبت اسناد و املاک کشور راه‌اندازی خواهد کرد، تعیین تکلیف خواهند شد.

نایب رئیس اول اتحادیه املاک در رابطه با تمهیداتی که برای اطلاع‌رسانی بهتر قیمت‌ها به مردم اندیشیده شده است، بیان کرد: قراردادهای یکسان و استاندارد صرفاً وقایع پس از بازاریابی را ثبت و ضبط می‌کنند و نمی‌توانند در قیمت‌ها و چگونگی آن‌ها کمکی کنند؛ زیرا موضوع این دو متفاوت است.

وی در پاسخ به این سوال که آیا این تغییرات ممکن است برای مشاوران املاک مشکلاتی ایجاد کند یا خیر، اظهار کرد: ما به عنوان مشاور املاک نیازمند بستری صحیح و سالم هستیم. هر چه این بستر برای مشاوران املاک و همکاران ما فراهم‌تر شود، استقبال بیشتری خواهیم کرد. هدف ما این است این تصور غلط که مشاوران املاک می‌توانند در قراردادهای اشکال ایجاد کنند، از بین برود.

بیگی نژاد در مصاحبه تلفنی با رادیو گفت‌وگو با تاکید بر اینکه قراردادهای یکسان و استاندارد می‌توانند به شفافیت تنظیم قراردادهای کمک کنند و از خطاهایی که قبلاً وجود داشت جلوگیری کنند، عنوان کرد: پیش از این، در سامانه املاک مستقل، بدون هیچ دسترسی به سامانه‌های مرجع خدمات می‌دادیم. اما اکنون، با تلاش‌هایی که صورت گرفته، بازگرداری قراردادهای یکسان به شفافیت تنظیم قراردادهای کمک شایانی

برنامه «بدون خط خوردگی» رادیو گفت‌وگو در خصوص تغییر در قراردادهای ملکی با داوود بیگی‌نژاد نایب رئیس اول اتحادیه املاک به صورت تلفنی گفتگو کرد.

داوود بیگی نژاد با اشاره به قانون الزام و موادی از آن که کلیت آن به تصویب رسیده و در حال حاضر در آیین‌نامه‌های اجرایی قرار دارد، گفت: یکی از مواد این قانون، سازمان ثبت اسناد و املاک کشور را ملزم به ایجاد قراردادهای یکسان کرده است. در حال حاضر، این طرح به صورت پایلوت در حدود صد مشاور املاک در حال اجرا است تا نتایج و ایرادات آن به جامعه منتقل شود. در نهایت، این قراردادها در دسترس عموم و مشاوران املاک قرار خواهد گرفت.

وی در پاسخ به این پرسش که آیا تغییرات جدید شامل شفافیت بیشتر است، تصریح کرد: بله، قطعاً چنین است. پیش از این، قراردادهایی که توسط مشاوران املاک تنظیم می‌شد، گاهی باعث اختلافاتی بین متعاملین می‌شد که حل آن را برای مردم دشوار می‌ساخت. بر همین اساس، در قانون الزام، یکی از موادی که به تصویب رسیده این است که قراردادهای یکسان و استاندارد در اختیار مشاوران املاک قرار خواهد گرفت و این قراردادها به طور مستقیم در سامانه ثبت اسناد املاک کشور بازگرداری خواهند شد.

سایکودرامی برگرفته از تنهایی و عشق



طراحی صحنه مینی مال است

لیلاجی، طراح صحنه و لباس فیلم گفت: من سعی کردم خیلی مینی مال صحنه را طراحی کنم. هر چیزی که در صحنه می بینیم در فرایند درام نقش دارد. در واقع تلاش کردم صحنه هم به اندازه فیلمنامه بتواند روی اعصاب مخاطب راه برود. حسینیوند، تدوین گر گفت: بازی آقای بابک به اندازه های خوب بود که کات کردن صحنه ها را برایش سخت می کرد. اما با توجه به این که تمام کار در یک لوکیشن ثابت می گذشت و ممکن بود مخاطب خسته شود، سعی کردیم ریتم و تمپوی کار را بالا نگه داریم. چیزی که در کات کردن ها برای من مهم بود، نشان دادن نما و پلان های قفل درها است که می توانست به عنوان نشانه به حساب بیاید. به نظر من ریتم فیلم کند نیست. در تدوین مهم این است که ریتم، مناسب فیلم و موضوع فیلمنامه باشد.

زرین کوب درباره نشانه شناسی های فیلمنامه گفت: ما در فضایی کار می کنیم که نیاز است مقررات در تصویر کردن موضوعاتی مثل حضور پلیس رعایت شود. ضمن این که من دوست داشتم فیلم و مخاطب با هم مشارکت کنند و مخاطب خود سعی در نشانه شناسی و پیدا کردن رابطه ها داشته باشد. باید بگویم که لازمه بعضی از قصه ها ریتم کند است. نباید خیلی به ریتم تاکید کرد چرا که خیلی وقت ها اثر، سعی در بیان مفهومی روانکاوانه دارد که نیاز است به آرامی با آن مواجه شود.

او ادامه داد: این فیلم درباره تنهایی آدمها است. این جنس از تنهایی زمانی به سراغ آدم می آید که از جوانی و میانسالی گذر کرده و حالا، مشغول برداشت از کاشت های دوران جوانی اش است. هراسانی می تواند خطا کند اما از رنج و تاوان بعضی از خطاها هیچ گریزی نیست و هر چه زمان بیشتر بگذرد، رنج برآمده از بعضی خطاها بیشتر هم می شود.

چگینی گفت: این جنس از داستان باید با همین ریتم عرضه شود. این که در اکران موفق باشد یا نباشد در نهایت تصمیم مخاطب است. محوریت این فیلم درباره موضوع «همدلی» است. اگر با این نگاه به «ترک عمیق» نگاه کنیم دیگر دچار سوال درباره اقتدار پلیس نخواهیم شد!

و کاراکتر را خلق کند. این شخصیت محبوب من نبود اما برای بازیگری مثل من که دوست دارد کاراکترهای مختلف را تجربه کند، کاراکتر برای من ابعاد عجیبی داشت که دوست داشتم در آن ایفای نقش کنم. باید بگویم بازی گلچهره سجادی بی نظیر بود و انتقاد مخاطبان هم می تواند برای ما راهنمایی باشد برای رفع کردن خطایمان.

او ادامه داد: پیشنهاد بازی در یک فیلم سینمایی را دارم که قصه عجیبی دارد و خیلی دوست دارم در آن ایفای نقش کنم. امیدوارم شرایط ساختش فراهم شود. من دوست دارم نقش های مختلف را تجربه کنم. حتی دوست دارم کار طنز را تجربه کنم. سینما، تئاتر و هنر خیلی بزرگ و انسان ساز است. باید بچه ها را از کودکی با هنر آموزش داد.

فیلم برای مخاطب نیاز سازی نمی کند!

انصاری، بازیگر نقش پلیس در این فیلم گفت: من این جنس روایت ها را دوست دارم و در این همه ای که از سینمای روایی داریم و مشغول نیاز سازی و تزریق آن به مخاطب هستیم که حتما کار کمندی و طنز ببیند، چنین اثری من را جذب کرد و دوست داشتم در آن ایفای نقش کنم. ضمن این که آقای زرین کوب، اشراف خوبی بر کار خود داشتند و این مسیر فکری مشخص، باعث قطعیت حضور من در فیلم شد. ضمن این که هدایت آقای زرین کوب هم خیلی به جا، مناسب و کمک کننده بود.

او درباره اقتدار شخصیت پلیس گفت: ما درباره مباحث مختلف ما به ازای بیرونی داریم. اساسا در زندگی مدرن هیچ آدم سیاه و سفید مطلق وجود ندارد و همه خاکستری هستند. در نگاه اول شاید اینطور به نظر برسد که با پلیس منفعلی روبه رو هستیم، اما موضوع این جا است که من در فیلم نقش پلیس پیشگیری را بازی می کنم. نکته ای که مهم بود برای ما این است که نباید در یک موقعیت کاری را انجام دهد که هر شخص دیگری نیز آن را انجام می داد. پلیس، در این فیلم تلاش می کرد نه تنها رفتار نادرست نداشته باشد که بتواند اوضاع را کنترل و پیشگیری کند.

نشست خبری فیلم سینمایی «ترک عمیق» با حضور عوامل و بازیگران این اثر برگزار شد. فیلمی درباره تنهایی آدمها که زمانی به سراغ آدم می آید که از جوانی و میانسالی گذر کرده و حالا، مشغول برداشت از کاشت های دوران جوانی اش است.

نشست خبری فیلم «ترک عمیق» به کارگردانی آرمان زرین کوب، با اجرای محمدرضا مقدسیان و باحضور آرمان زرین کوب (کارگردان)، محسن چگینی (تهیه کننده)، محمد حسینیوند (تدوین گر)، مجید لیلاجی (طراح صحنه و لباس)، رضا بابک و بابک انصاری (بازیگران فیلم) برگزار شد.

در ابتدای این نشست، محسن چگینی، تهیه کننده گفت: دوست دارم در ابتدا از همه عوامل تشکر کنم و امیدوارم که «ترک عمیق» مورد پسند اهالی رسانه و مخاطبان قرار گرفته باشد.

زرین کوب: اولین هدف در فیلم سازی برای من جذب مخاطب است

زرین کوب، کارگردان، درباره طرح فیلمنامه گفت: طرح و فیلمنامه «ترک عمیق» حدود دو سال زمان برد. سایکودرامی برگرفته از تنهایی و عشق، موضوعی بود که دوست داشتم به آن بپردازم و برآمده از دغدغه شخصی من بود. دوست داشتم بگویم که برداشت ما در دوران سالمندی همان کاشت های ما در دوران جوانی است.

این کارگردان ادامه داد: در ابتدای فیلم، کاراکتر اصلی از بیمارستان روانی مرخص می شود. قصد من از این موضوع نشان دادن مشکلات و معضلات مربوط به بیمارستان های روانی نیست. این ماجرا صرفا برای پیشبرد درام بود و هدف دیگری نداشتیم. زرین کوب درباره نظری که راجع به فروش فیلم دارد گفت: اولین هدف در فیلم سازی برای من جذب مخاطب فارغ از ژانر و مضمون است. فکر می کنم این فیلم می تواند مخاطب را جذب کند ولی این که چه قدر خواهد فروخت، موضوع پیش بینی پذیری نیست. احتمالا به سبب ژانر کار با چالش هایی مواجه خواهیم بود زیرا در ایران فقط کمدی ها می فروشند!

زرین کوب در پاسخ به سوال الهام گرفتن موضوع از آثار کارگردان فقید هانکه گفت: من چنین چیزی را نمی پذیرم. البته بعد از کار یکی از دوستانم به من گفت که آن فیلم را ببینم اما موضوع کپی برداری نبود و من هیچ ایده ای درباره آن نداشتم.

هنر و سینما انسان ساز است

رضا بابک، بازیگر گفت: آقای زرین کوب خیلی خوب درباره درونیات شخصیت به من راهنمایی می کرد. همه ابعاد کاراکتر، در جان و روان آدم است و بازیگر باید به کمک تکنیک هایی که بلد است و کارگردان، فیلمبردار و فضا سازی آن ها را نشان داده



سینماگر جریان سوم

محمد زعیم زاده

چطور می توان در کمتر از دو ساعت همه حرف دفاع مقدس را در یک محیط بسته و فقط با شلیک یک گلوله زد؟ «ژانسی شیشهای» را ببینید. چطور می توان از اعتراض و عصیت ناشی از تبعیض گفت، اما یادآور شد اگر روش اعتراض ایران ستیز باشد به ناکجا آباد می رویم؟ «ارتفاع پست» را ببینید. چطور می توان گفت سطح اعتراض در جامعه آن قدر بالاست که به خانواده شهدا و کشاورزان و پیرمرد ها رسیده، اما رخت چرک ها را در حیاط همسایه نشست؟ فیلم «خروج» را ببینید...

این لیست را می توان حالا حالاها ادامه داد؛ به اندازه دوران درخشان فیلم سازی ابراهیم حاتمی کیا، به اندازه فراز و فرود یک انقلابی اصیل، یک پنجاه و هفتی کلاسیک، یک آرمان خواه عاقل، یک واقع گرای میهن دوست، یک حزب الهی حرفه ای، یک متعهد متخصص، یک سینماگر فن بلد، یک معترض وابسته... آن شب که فریاد کشیدند من وابسته ام! یک عده خوشحال شدند و نفس راحتی کشیدند که خب بالاخره همه حرفش را زد، دیگر نمی تواند پشت آن چشم های سبز و آن شات های پر رنگ و لعاب سنگر بگیرد.

اما خوب که فکر کردند، دیدند او سال هاست همین را می گوید و به آن عمل می کند. او وابسته به همه آرمان های انقلاب ۵۷ خمینی کبیر است، مؤمن به عدالت طلبی و آزادی خواهی توأمان، متعهد به مردم گرایی و اسلام خواهی هم زمان، باورمند به استقلال خواهی و پیشرفت در هم تنیده و... معتقد به همه آن متناقض نماهایی که دو طیف نمی توانند معنایش را بفهمند؛ یکی متحجرین و زاهدان ظاهر پرست و دیگری روشنفکر نماهای متصلب و دیکتاتور مآب که جز خودشان و حلقه و گعده خودشان همه را سرسپرده می دانند.

حالا که ابراهیم عصای «موسی» را در دست گرفته و می خواهد در روزگار تاخت و تاز آل یهود بر پیکر ۵۰ هزار فلسطینی، از ناگفته های قوم سفاک بگوید و کار «بازمانده» را به سرانجام برساند، اما به «ح» رسیده ایم. آنچه تورق می کنید، هم نکوداشتی برای ابراهیم حاتمی کیاست، هم تلاشی برای ثبت و ضبط مسیر حاتمی کیا شدن، که البته در آن به سان مشی خود جناب حاتمی کیا از نقد هم ابایی نداشته ایم.

«ح» داستان مردی است که از جوانی تا حالا که مویی سپید کرده از اعتراض گفته است؛ اعتراض با مبنای آرمان خواهی. اعتراضی که به اصلاح درون سیستمی بینجامد. اعتراضی که آخرش حتی اگر هیچ کس همراهی ات نکند، پایش ایستادگی می کنی، چون فاطمه ها دلت را فرص کرده اند و البته مطمئن می باشی که عزیز دلی هست که حواسش به معترضان آرمان خواه است و انسداد طلبانی چون سلحشور را به زده می کند. «ح» داستان مردی است که در اکثر آثارش چند گام از جامعه جلوتر بوده و به مثابه جامعه شناسی پشت دوربین، از شکاف آرمان گراها و واقع گراها، از شکاف نسل دوم و سوم و... گفته است.

«ح» داستان مردی است که به سان برخی هم پریشان به حرف انقلابی زدن اکتفا نکرد و تکنیک و هنر سینما را بیشتر و بهتر از همه هم نسلانش آموخت و به کار گرفت. درود بر او که فهمید اداره کردن رسانه با حرف های محفلی و گعده ای و با شعار ممکن نمی شود و خودش و سینمایش را به قربانگاه نبرد و آبروی حزب الهی ها و انقلابی ها را خرید.

«ح» داستان مردی است که اگر از موربان های به نام محافظه کاری گفت که به اسم مصلحت، تیشه به ریشه انقلاب می زند، با اختاپوس رادیکالیسم هم مزبندی کرد که دود موتوری هایشان نه تنها مردم را که حتی انقلابی های واقعی را هم از نفس انداخته است. *

شاید عده ای بگویند الان برای حرف زدن از حاتمی کیا دیر شده است. این حرف به یک دلیل مهم غلط است، چون دقیقاً در شرایطی قرار داریم که یک جریان سوم در حال تولد است. جریانی که هم زمان در حال نفی ایستارهای محافظه کارانه راست و رادیکالیسم چپ است. هم با کاریکاتور انقلابی گری ضد مردم ها مرز دارد، هم با ایران ستیزی ارتجاعی. جریان سومی که معترض است و دقیقاً مثل حاتمی کیا معترض وابسته.

اعتراض دارد به وضعی که همه با هم ساخته ایم و وابسته است به این آب و خاک و انقلاب و می گوید همه خرابی ها را خودمان درست می کنیم. جریانی که در نظر و عمل نوستالژی هایی چون بهشتی و سلیمانی دارد، شاید حاتمی کیا هم نوستالژی اش باشد؛ او صداسویمی واقعی این جریان است. «ح» دقیقاً می خواهد از همین زاویه سخن بگوید و در همین لحظه و وقت؛ به وقت ابراهیم.

این یادداشت در ویژه نامه «ح» نیز منتشر شده است.

فیلمی که خلاف جریان مد سینما شناسی کند



محمود بابایی درباره جریان شکایت سازمان اوقاف از این فیلم نیز توضیح داد: اخیراً چند رسانه گفته اند که سازمان اوقاف از فیلم شکایت کرده است، در حالی که این شیفت های برخی رسانه ها است و اصلاً چنین چیزی وجود ندارد. و کلا ما جدی پیگیر این موضوع خواهیم بود. طبق قانون، قانون گذار این حق را برای همه قائل شده که از هر کسی که می خواهد شکایت کند و بله بحث های حاشیه ای مطرح شده و وکیلان ما به جد پیگیر آن هستند.

در ادامه این نشست غلامرضا نیکخواه آزاد بازیگر درباره حضورش بیان کرد: آقای نائیجی این نقش را به من پیشنهاد دادند و تقریباً نقشی بود که تجربه آن را نداشتم و در حد توان خود تلاش کردم تا این شخصیت را به خوبی پیش ببرم. کمدی در حال حاضر روی بورس است و اصلاً چیز بدی نیست. اگر اقتصاد سینما بهبود پیدا کند اصلاً بد نیست. ضمن این که فیلم علاوه بر کمدی بودن، پیام و حرف با خود دارد.

هادی نائیجی در پاسخ به سوالي درباره روایت فیلم در اوایل انقلاب نیز توضیح داد: متأسفانه برخی این تصور را دارند که فیلم در مرزی حرکت کرده که انگار ما به مقدسات توهین کرده ایم، در حالی که اینگونه نیست و به نظر می رسد ابتدا باید امر مقدس را تعریف کنیم. یکی از دلایل انتخاب اوائل انقلاب اقتضای داستان بود نه آنکه صرفاً به خاطر کمدی شدن در دهه شصت روایت شود.

فرزین محدث بازیگر در پایان مطرح کرد: از حضور در این فیلم بسیار خوشحال هستم. وقتی فیلمنامه ای نوشته می شود برای ساخت آن از جایی هم تایید می شود. امیدوارم به جایی برسیم که بتوانیم با یکدیگر گفت و گو کنیم.

بابایی درباره تولید در ژانر کمدی توضیح داد: اینکه موج کمدی سازی راه افتاده دلیل انتخاب من نبوده است. ما قصه ای داشتیم که می توانستیم در ظرف کمدی بریزیم تا به عینیت دربیاید. هر چند که مخاطب سینمای ما در این روزگار میل بیشتری به کمدی دارد. ما تلاش کردیم خلاف جریان مد سینما شنا کنیم. ولی بله، مولفه هایی برای فروش وجود دارد و ما به دنبال مخاطب گسترده بودیم و به درستی از مولفه های آن استفاده کردیم.

هادی نائیجی در پاسخ به تاثیر از فیلم «مصلحت» حسین دارایی نیز گفت: آن فیلم را دیدم و حتماً از آن تاثیر گرفته ام. ذهن هر فیلم سازی در معرض انواع و اقسام فیلم ها قرار می گیرد و مستقیم یا غیر مستقیم آن ها را در ذهن می گذراند ولی ما برای این فیلم از هیچ چیزی مستقیم برداشت نکرده ایم.

وی ادامه داد: نباید به مناسبت یک فیلم به کسی برچسب بزنی. چه اضرائی وجود دارد که با چنین الفاظ و عناوینی با یکدیگر صحبت کنیم و به همدیگر تهمت بزنی؟ فیلم روایت تاسیس خرافی بخشی از دین است که ما نیز خواسته یا ناخواسته با آن ها درگیر بوده ایم.

امیر نوروزی دیگر بازیگر فیلم نیز درباره شباهت کاراکترش در این فیلم با فیلم قبلی اش «مصلحت» بیان کرد: این فیلم در بستر کمدی است ولی کاراکتر اصلاً شبیه به فیلم «مصلحت» نیست. فیلمنامه بسیار خوبی بود و از حضور در این فیلم بسیار خوشحال هستم.

نائیجی در پاسخ به این سوال که آیا قصد تدوین مجدد برای این فیلم دارد یا خیر، بیان کرد: تصور اولیه ما برای تولید این فیلم حضور در فجر نبود و فیلم برای اکران حتماً بازبینی می شود.

نشست فیلم سینمایی «آنتیک» با حضور هادی نائیجی (کارگردان)، محمود بابایی (تهیه کننده)، پژمان جمشیدی، آناهیتا افشار، بیژن بنفشه خواه، امیر نوروزی، غلامرضا نیکخواه (بازیگران)، آرمان فیاض (مدیر فیلمبرداری) با اجرای سونیا پوریامین برگزار شد.

محمود بابایی تهیه کننده این فیلم در ابتدای نشست مطرح کرد: روزی که بنا شد تهیه کننده این فیلم باشم، گمان می کردم اولین مواجهه من اکران عمومی فیلم باشد ولی این نمایش در جشنواره را به فال نیک می گیرم و امیدوارم آن را دوست داشته باشید.

هادی نائیجی کارگردان فیلم «آنتیک» نیز گفت: به عوامل جشنواره تبریک می گویم که بالاخره یک بانو برای اجرای نشست ها در نظر گرفته شد و این بسیار خوشایند است. فیلم با یک قصه کوتاه تک خطی نویسنده برای من شروع شد و تجربه زیسته ای را در مقابل من قرار داد و به کمک دوستان به سراغ تولید این اثر رفتیم.

بابایی بیان کرد: بانی انقلاب حضرت امام (ره) است و این جشنواره برای پیروزی انقلاب اسلامی برپا می شود. امام در وصیت نامه خود چند صفحه درباره خرافات و مبارزه با آن سخن گفته اند و ما نیز در فیلم «آنتیک» به این موضوع پرداختیم. وی افزود: گفتند امروز شلوغ ترین سانس جشنواره را داشتیم. اینکه توانستیم جشنواره را گرم کنیم برای ما خیلی خوب است.

نائیجی درباره شباهت این فیلم به «زیرخاک» توضیح داد: قطعاً نشانه های بازیگر با او همراه است و در نقش های بعدی او همراه می شود. اینکه الزاماً بازیگر در هر فیلمی اسم و نشان خود را بر پرده سینما پاک کند، به بحث های مفصلی نیاز دارد. ولی به نظر من کم کم باید درباره خرافات و تشخیص خرافات صحبت کنیم.

آناهیتا افشار بازیگر فیلم نیز بیان کرد: بر اساس متنی که می خوانم نقش خود را انتخاب می کنم و زمانی که فیلمنامه «آنتیک» را خواندم آن را دوست داشتم و در آن بازی کردم.

پژمان جمشیدی بازیگر درباره نقش خود توضیح داد: هر فیلمی که می آید من بازی می کنم. خیلی در این حوزه آدم باسوادی نیستم، ولی احساس کردم چون درباره خرافات و اعتقادات است، فیلم خوبی ست و در این اثر بازی کردم.

گفته برداری از واقعه‌های حقیقی



نشست رسانه‌ای فیلم سینمایی «رها» به کارگردانی حسام فرهمند، با اجرای منصور ضابطیان و با حضور حسام فرهمند (کارگردان)، سعید خانی (تهیه‌کننده)، شهاب حسینی و غزل شاکری (بازیگران فیلم)، روزبه رایگا (مدیر فیلمبرداری)، مهدی سعدی (تدوینگر)، رسول علیزاده (طراح صحنه) و علی حسینی (نویسنده) برگزار شد. در ابتدای این نشست، حسام فرهمند کارگردان درباره چرایی انتخاب این موضوع و تلخ بودن آن گفت: فیلم تلخ هست اما سیاه‌نمایی ندارد. بخشی از این تلخی به شرایط قصه و زیست کاراکترها برمی‌گردد. زمانی که تصمیم گرفتیم این فیلم را بسازیم، فهمیدیم که موضوع را باید به صورت رمان بینیم و سعی کنیم تصویر نشان دهیم. من به سینمای قه‌گو علاقه‌مند هستم و امیدوارم توانسته باشم این تصویر را ترسیم کنم. علی حسینی، نویسنده فیلم نیز بیان کرد: من قصه‌های تلخ را دوست دارم و فکر می‌کنم آقای فرهمند هم در کارگردانی توانسته تلخی را از فیلمنامه بگیرد. دلیل علاقه‌ام به تلخ‌نویسی را نمی‌دانم. شاید برای این باشد که آدم غمگینی هستم.

غزل شاکری، بازیگر اظهار کرد: در جلسه اول مذاکره با آقای فرهمند من مجاب شدم که فیلمی که قرار است ساخته شود، استانداردهایی لازم را دارد. حضور شهاب حسینی هم در کار قطعی شده بود و به من اطمینان می‌داد. باید از حسام فرهمند هم تشکر کنم که برای من حضوری بسیار کمک‌کننده داشت.

شهاب حسینی بازیگر این فیلم گفت: ما با اثری طرف هستیم که باید تاثیرگذار بودن یا نبودن آن را بررسی کنیم. از این بیت مدد می‌گیرم که «هرکسی کو دور ماند از اصل خویش باز جوید روزگار وصل خویش»؛ در حرفه ما این اصل فیلمنامه است. متنی که من خواندم، نتیجه سال‌ها زیست و دغدغه شخصی کارگردان و نویسنده است که بدون هیچ حاشیه و با تکلیفی روشن ساخته شد.

سعید خانی تهیه‌کننده نیز بیان کرد: دوستی من با حسام فرهمند به بیست سال پیش و فیلم کیومرث پوراحمد برمی‌گردد. او سال‌ها تیزر تبلیغاتی ساخته و در نهایت بعد از خواندن متن خوب این فیلم من را مجاب کرد تا با سرمایه شخصی، تهیه‌کنندگی این فیلم را برعهده بگیرم. امیدوارم در اکران سرمایه فیلم بازگردد تا بازم بتوانم از این قبیل ملودرام‌ها تهیه کنم.

روایت تنهایی بچه‌های بهزیستی

منتظر آماده‌شدن موسیقی ماندند تشکر می‌کنم. چالش این کار دیالوگ‌های بسیار زیاد آن بود. ما باید موسیقی را در هر سکانس به نحوی رنگ‌آمیزی می‌کردیم و باید بگویم که این فیلم موسیقی زیادی می‌طلبد.

مهدی جهان‌نوش، بازیگر نقش اصلی این فیلم در ادامه درباره نحوه حضورش در این فیلم گفت: من علاقه‌مند به بازیگری بودم و بارها برای تست دادن به دفتر فیلمسازی رفتم و در نهایت از بازیگر شدن ناامید شدم و شروع به کار در کافه کردم. روزی که این فراخوان را دیدم خیلی ناامیدانه برای تست رفتم و خوشبختانه انتخاب شدم. حضور علی صلاحی در این پروژه برای من شانس بزرگی بود.

پرویز آبنار، مدیر صداگذاری نیز طی سخنانی افزود: فیلمنامه خانم یارمحمدی فوق‌العاده بود و در وهله اول این موضوع من را جذب کرد. اما عوامل کار را نمی‌شناختم و با بابک کریمی طاری مشورت کردم و او من را به حضور در کار مجاب کرد. نوستالژی، سیر بزرگ‌شدن بچه‌ها و همه جزئیات کار فضایی بسیار ویژه را برای اثر رقم زد.

محمود کریمی در ادامه درباره چگونگی نام‌گذاری فیلم نیز توضیح داد: ابتدا در یک جلسه ما درباره موضوع حرف زدیم و صحبت از «بچه مردم» شد. ما آن را به‌عنوان نام موقت انتخاب کردیم. کمی بعد با جستجو در اینترنت متوجه شدیم جلال آل‌احمد نویسنده، نیز کتابی با همین عنوان دارد که موضوع آن متفاوت از فیلم ما بود، بنابراین همین عنوان را به‌عنوان نام اصلی فیلم انتخاب کردیم.

علی ربیعی دستیار اجتماعی رئیس‌جمهور که مهمان امروز سینمای رسانه است با حضور در نشست رسانه‌ای فیلم بیان کرد: این اثر فراتر از یک فیلم اجتماعی است در واقع فیلمی انسانی و درباره شهدای چشم‌انتظار هستند. این بچه‌ها هیچ‌کس را نداشتند که از آن‌ها بپرسند «کجایی».

در طراحی صحنه دستمان باز بود

نازنین خزاعی، طراح لباس گفت: روز اولی که من به دفتر رفتم و فیلمنامه را خواندم، دیدم آقای کریمی همه دوره‌های زمانی فیلمنامه را روی شیشه نوشته بود. وقتی من فیلمنامه را خواندم ساختن این پروژه به نظرم پیچیده آمد. در نهایت بعد از جلسات بسیار فیلم ساخته و لباس‌ها طراحی شدند.

من از تک‌تک بازیگران همکارم تشکر می‌کنم و خوشحالم که با آن‌ها همکاری کردم.

فرهمند نیز اظهار کرد: همه موضوعاتی که در فیلم به تصویر کشیده می‌شود، گرته‌برداری از مجموع اتفاق‌های واقعی است. فیلم مبتنی بر یک رویداد خاص نیست، اما تک‌تک واقعه‌ها حقیقی است.

مهدی سعدی، تدوین‌گر، درباره ویژگی‌های تدوین این اثر سینمایی گفت: من شیفته موضوع و داستان فیلم شدم و بعد از چند جلسه مذاکره، به فهرست عوامل این کار پیوستم. حفظ یکپارچگی در تدوین این کار برای من خیلی مهم بود. میزان ارتباط مخاطب با کاراکترها برای من خیلی مهم بود؛ این که مخاطب بتواند با کاراکترها هم‌ذات‌پنداری کرده و آن‌ها را باور کند.

فرهمند درباره حضور تهیه‌کننده پای کار افزود: اگر سعید خانی، پای این پروژه نمی‌ایستاد، هیچ وقت نمی‌توانستیم این اتفاق را رقم بزنیم. ضمن این که جا دارد از مرضیه برومند، تشکر کنم که پای این ساخته شدن فیلم ایستاد و ممارست کرد. این فیلم حاصل جمله‌ای است که سال‌ها پیش کیومرث پوراحمد بعد از ساختن یک فیلم کوتاه بد به من گفت: «سعی کن اولین فیلمت، برآمده از دغدغه‌ات باشد.»

خانی در پایان گفت: فیلم را در ۳۷ جلسه فیلمبرداری کردیم. در فیلم ما، عوامل کار اولی بسیاری کار کردند و می‌خواهم بگویم با استعدادی که از هر کدام دیدم، آینده‌ای روشن در انتظار همه آن‌ها خواهد بود.

در پایان همسر کیومرث پوراحمد که در سالن بود از عوامل فیلم تشکر کرد.



بابک کریمی طاری، طراح صحنه فیلم نیز درباره طراحی آن توضیح داد: من با فیلمنامه‌های مواجه شدم که حس کردم به‌عنوان طراح صحنه می‌توانم در آن به‌خوبی مانور بدهم. ضمن این که فکر کردم با تهیه‌کنندگی آقای احمدی فضای بازی برای ما ایجاد می‌شود و این اجازه به ما داده می‌شود که برای طراحی صحنه هزینه کنیم. از سوی دیگر محمود کریمی هم یکبار فیلم را در ذهنش ساخته بود و همه این ماجرا من را به همکاری در این فیلم مجاب کرد. تلاش کردیم از کلیشه‌های صحنه‌سازی در آن تاریخ خاص دور شویم و از سبک آرت دکو بهره بگیریم.

درآمد حاصل از فروش تقدیم «بهشت امام رضا (ع)»

او ادامه داد: صفر تا صد پرورشگاه را خودمان ساختیم و بعد با تغییراتی در همان دکور خانه‌ها، مغازه، و... را طراحی کردیم. در این اثر همه عوامل با دلگرمی کار کردند. حتی در پلان‌های خارجی نیز سعی می‌کردیم همه این مسائل را رعایت کنیم. میلاد پرتوی، مدیر فیلم‌برداری بیان کرد: من آخرین نفری بودم که به این پروژه اضافه شدم و باید خودم را به دیگر بچه‌های گروه می‌رساندم. فرم دوربین در سینمای ما خیلی رایج نیست؛ اما من فکر می‌کردم با وجود ریسک تنها فرم خوب برای این فیلم، همین نوع از فیلم‌برداری است. خدا را شکر می‌کنم که نتیجه نهایی کار مطلوب بود.

سید علی احمدی در پایان گفت: خیلی به فروش فیلم امیدوار هستم. باید بگویم عزیزیانی بانی شدند و برای کار سرمایه‌گذاری کردند تا بعد از اکران، درآمد حاصل از فروش فیلم به «بهشت امام رضا (ع)» اهدا شود.



جشنواره فیلم فجر به فیلم‌سازان نسل جوان توجه کرد

حسین میرزاحمدی کارگردان فیلم سینمایی «بازی خونی» به سختی‌های تولید فیلم در سینمای ایران اشاره کرد و به اهمیت توجه جشنواره فجر به نسل جوان سینمای ایران پرداخت.

حسین میرزاحمدی کارگردان فیلم سینمایی «بازی خونی» که به تهیه‌کنندگی سعید پروینی در سانس دوم روز اول جشنواره چهل‌وسوم برای اصحاب رسانه نمایش داده شد، در گفت‌وگو با ستاد خبری جشنواره درباره این فیلم گفت: «بازی خونی» بر اساس یک واقعت و مستنداتی از وقایع دهه شصت نوشته است. غالب این فیلم داکویدراما نیست و خط روایی فیلم خیلی پاینده به اصل وقایع نبوده است. ما خط روایی خودمان در داستان را پیدا کرده‌ایم و یک سری از فکت‌های تاریخی را در دل فیلم‌نامه استفاده کرده‌ایم.

میرزاحمدی با تأکید بر اینکه فیلم‌نامه به گونه‌ای اقتباس از وقایع تاریخی است، درباره پروداکشن دومین فیلم سینمایی خود بیان کرد: فیلم در استان گلستان تولید شده است و به دلیل حجم لوکیشن‌های متعدد فیلم، بسیار پروداکشن سخت و تولید سنگینی داشتیم. تعدد شخصیت و دکوپاژ سختی که من مدنظر داشتم کار را سخت کرده بود که با همراهی کامل تیم و سعید پروینی، فرآیند تولید به خوبی انجام شد. با تمام سختی‌ها، سعید پروینی حس آرامشی به من و دیگر عوامل منتقل کرد و همراهی‌های شخص او برای من تجربه بسیار شیرینی بود.

وی با اشاره به اینکه با فیلم سینمایی «کت چرمی» در جشنواره چهل‌ویکم به عنوان یک فیلم اولی حضور داشت، درباره ادغام بخش سودای سیمرغ و نگاه نو که مختص فیلم اولی‌هاست، توضیح داد: معتقدم که جشنواره فیلم فجر و سینمای ایران هر چه قدر به فیلم اولی‌ها و نسل جوان اعتماد کند، در کوتاه مدت منفعت‌های آن را لمس خواهد کرد و جشنواره فیلم فجر در این دوره، به فیلم‌سازان نسل جوان توجه کرد؛ اینکه فیلم‌های کارگردان‌های فیلم اولی در بخش سودای سیمرغ مورد قضاوت و داوری قرار می‌گیرند، پله رشدی است برای سینمای ایران، در کنار بها دادن به استعدادهای فیلم‌سازان نسل جوان.

کارگردان «بازی خونی» در خاتمه با نگاه به پیش زمینه فیلم‌های کوتاه خود، درباره اهمیت دادن به فیلم‌های کوتاه در این دوره از جشنواره فیلم فجر و راهیابی ۴۴ عنوان فیلم کوتاه برای رقابت در بخش سودای سیمرغ، گفت: این اتفاق و این خبر یکی از بهترین اتفاق‌های این دوره از جشنواره فیلم فجر است و در کنار شدن کارگردان‌های جوان تا بتوانند مسیر سینمایی خود را بهتر طی کنند. البته باید اشاره کنم که به وضعیت سینمای ایران به ویژه سینمای کوتاه امیدوار هستم آن هم با توجه به حضور بهروز شعبانی به عنوان مدیرعامل انجمن سینمای جوانان ایران که به عنوان یک فیلمساز و از خانواده اصلی سینمای ایران، می‌تواند یک بستر دیالکتیکی برای ارتقای سطح سینما ایجاد کند.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: محمد جواد اهووی
زیر نظر شورای سردبیری

عکس: طه اهووی | گرافیک و صفحه آرا: سارا کولیوند
روابط عمومی: جهانگیر توسلی | ناظر هنری: محمدرضا مهدیانی
تلفن: ۰۲۱۸۱۶۵۰۲۵۸ - ۰۹۹۳۱۲۴۱۳۴ | آگهی‌ها: ۰۲۱۸۱۶۵۰۲۵۸
نشانی: بلوار کشاورز، خیابان عبدالته زاده، کوچه زیبا، پلاک ۴۴، واحد ۵
چاپ: صمیم - ۴۴۵۸۲۸۴

FAZAMAJAZI
@ASREGANOON
@ASREGANOON



روایت تنهایی بچه‌های بهزیستی

این اثر فراتر از یک فیلم اجتماعی است در واقع فیلمی انسانی و درباره شهدای چشم‌انتظار هستند. این بچه‌ها هیچ‌کس را نداشتند که از آن‌ها بپرسند «کجایی».

۷

فیلمی که خلاف جریان مدسینماشنامی‌کند

هر فیلمی که می‌آید من بازی می‌کنم. خیلی در این حوزه آدم باسوادی نیستم، ولی احساس کردم چون درباره خرافات و اعتقادات است، فیلم خوبی‌ست و در این اثر بازی کردم.

۱

هرکس به اندازه مصلحتش روزی می‌گیرد و...
اگر روزی شما گسترده شود
در زمین عصیان و طغیان می‌کنید!

(سوره شوری آیه ۲۷)



تغییر رتبه در جدول لیگ نخبگان



سرمربی الشرحه: می‌خواهیم رتبه خود را در جدول لیگ نخبگان تغییر بدهیم

محمد سمید گفت: برای استقلال احترام زیادی قائل هستیم اما می‌خواهیم رتبه خود را در لیگ نخبگان تغییر بدهیم.

وی در پاسخ به این سوال که استقلال یکی از پر تماشاگرترین تیم‌های آسیاست و آیا تصور می‌کند فردا جو بسیار سنگینی را در ورزشگاه آزادی تجربه کنند، گفت: استقلال را می‌شناسم و می‌دانم تیم بسیار بزرگ و قوی است. تماشاگران زیادی هم دارد. اتمسفر بازی در کل به سود این تیم است. می‌دانیم کجا آمدیم و باید با یک تیم قوی بازی کنیم. در کل احترام خاصی برای استقلال قائل هستیم.

می‌دانم استقلال از لحاظ بازیکنان و اتمسفر هوادارانش تیمی قوی است. شناخت کافی نسبت به این حرف داریم و احترام زیادی برای استقلال و هوادارانش قائل هستیم

بدرقه کاروان بازی‌های آسیایی زمستانی

شمیم رضوان



زمستانی دو برابر پاداش پای سکو بازی‌های آسیایی هانگژو است و ظرف دو، سه روز معادل ریالی آن به حساب ورزشکار مدال آور واریزی می‌شود.

محمد کیادریوندسری، تنها مدال آور ایران در آلپاین بازی‌های آسیایی زمستانی در این مراسم با گلایه از روند بد آماده‌سازی کاروان اعزامی تأکید کرد که قول مدال نمی‌دهد: «قول مدال نمی‌دهم، چراکه برخلاف سال‌های قبل که اردوهای آماده‌سازی خارجی داشتیم امسال هیچ برنامه و اردویی برگزار نشد»

گلایه مرد برنزی آلپاین ایران، اما با واکنش رئیس کمیته ملی المپیک همراه بود و خسروی‌وفا صراحتاً گفت: «اگر نتیجه بگیرید عالی است، اما انتظار زیادی از ورزش‌های زمستانی نداریم؛ اینکه، چون فلان چیز نبوده مدال نمی‌گیریم، پس چرا می‌روید؟»

نهمین دوره بازی‌های آسیایی زمستانی، از نوزدهم بهمن ماه به مدت یک‌هفته در هاربین چین برگزار می‌شود. در همین راستا روز گذشته مراسم بدرقه ملی پوشان اعزامی به این رقابت‌ها با حضور محمود خسروی‌وفا رئیس کمیته ملی المپیک، تیشه‌گران سرپرست فدراسیون اسکی و ورزش‌های زمستانی، زارعی رئیس فدراسیون کوهنوردی و اعزای کاروان (فجر) در سالن اجتماعات کمیته ملی المپیک برگزار شد. زارعی رئیس فدراسیون کوهنوردی در این مراسم با اشاره به اهمیت مدال‌های آسیایی تأکید کرد ورزشکاران، خواهان حمایت هرچه بیشتر کمیته ملی المپیک هستند: «مدال بازی‌های آسیایی متفاوت است و اسم ورزشکار ماندگار می‌شود. از ورزشکاران می‌خواهم این بازی‌ها را جدی بگیرند. ما فقط مدال می‌خواهیم و باید اثبات کنیم ورزش زمستانی مانند تابستانی می‌تواند افتخار آفرین باشد. از کمیته ملی المپیک هم می‌خواهیم پشتیبانی قوی داشته باشد و ما را حمایت کنند، چراکه ما تابع اسپانسر هستیم و به همین دلیل تجهیزات بچه‌ها دیر رسید. همچنین می‌خواهم پاداش بازی‌های آسیایی زمستانی برابر با بازی‌های آسیایی تابستانی باشد تا انگیزه ورزشکاران بالا برود.» در شرایطی که زارعی خواهان پرداخت پاداش همسان به ورزشکاران بازی‌های آسیایی بود، خسروی‌وفا از پرداخت دو برابری پاداش‌ها نسبت به بازی‌های آسیایی خبر داد: «پاداش پای سکو به مدال آوران بازی‌های آسیایی

برای حفظ صدرنشینی محکوم به شکست پرسپولیس هستیم



سرگی میلینکوویچ ساویچ هافبک صربستانی تیم فوتبال الهلال در خصوص بازی با پرسپولیس در لیگ نخبگان آسیا اظهار داشت: هدف ما همیشه پیروزی در هر مسابقه‌ای است، چه در رقابت‌های داخلی و چه در لیگ نخبگان آسیا تا صدرنشین بمانیم.

این صحبت‌ها نشان‌دهنده تعهد بازیکنان الهلال به موفقیت و کسب عنوانی قهرمانی است. این دیدار حساس شامگاه سه‌شنبه در ورزشگاه «کینگدام آرنا» و از ساعت ۲۱:۳۰ برگزار می‌شود.

لازم به ذکر است که الهلال صدرنشین گروه غرب است و صعود خود به مرحله حذفی را قطعی کرده و در طرف مقابل پرسپولیس با ۶ امتیاز در رده ششم قرار دارد و برای صعود به دور بعد نیاز به کسب امتیاز در این بازی دارد.

از موسیما نه تا ژائو «ویلموتس گیت» های تازه ۸۰۰ هزار دلار از جیب مردم برای یک گل!

فریدون حسن



سؤال اینجاست که چرا قوه قضائیه و نهادهای نظارتی و امنیتی در قبال این همه تخلف و این همه فساد و بیت‌المال خوری سکوت کرده‌اند و کاری انجام نمی‌دهند؟ چرا هنوز پرونده مس رفسنجان به نتیجه نرسیده؟ چرا پرونده فساد در فوتبال سال‌ها پیش در راهروهای مجلس گم شده؟

ماجرای تمام نشدنی است، چون پرونده‌های قبل هنوز به نتیجه نرسیده و بعید هم هست که به نتیجه برسد تا مدیران فاسد فوتبال همچنان بتازند و هر گونه انتقادی را خفه کنند. انتقادات و اعتراض‌ها را خفه کنند تا با خیال راحت و در سکوت مراجع ذی‌ربط به راحتی بیت‌المال و جیب مردم را خالی کنند.

بابت محرومیت‌های احتمالی راحت باشد. بله، خیال هوادار راحت باشد از جیبش، از پول زحمت کشیده او و بقیه مردم، از جیب کارگران و کارمندان که سر ماه از حقوقشان مالیات کم می‌شود، برداشت می‌شود و به جیب خارجی‌های بی‌کیفیتی سرازیر می‌شود که دلال‌های چسبیده به مدیران فوتبال آنها را قالب فوتبال ایران می‌کنند.

در این میان همه مسخ شده‌اند. همه فقط نگاه می‌کنند، انگار که عادت کرده‌ایم به شنیدن این اخبار یا به دیدن این ارقام. به فریبکاری مدیران فوتبال که جیب‌مان را خالی می‌کنند، اما با لبخند نودمان می‌دهند که نگران نباشیم، اتفاقی برای تیم رخ نمی‌دهد. جیب‌مان و بیت‌المال را خالی می‌کنند و لیخند می‌زنند که خیالتان

راحت از پنجره نقل و انتقال محروم نمی‌شویم و می‌رویم چندتا بی‌کیفیت و بیکار مانده دیگر را می‌آوریم، مشکلی هم نیست جیب شما و بیت‌المال هست برای برداشت‌های میلیاردی آینده!

ماجرای تمام نشدنی است، تا وقتی که مدیران فاسد فوتبال سر کار هستند از فدراسیون‌نشین گرفته تا باشگاه‌ها، مدیرانی که حتی ریالی بابت تخلفات و فسادشان از جیب‌شان پرداخت نمی‌کنند که اگر می‌کردند غلط می‌کردند اینگونه چوب حراج به بیت‌المال و پول مردم برزند. مدیرانی که امروز خیلی راحت می‌توان گفت حتماً درصداً بگری چنین قراردادهایی هستند. فقط

گرفت و رفت. هیچ کس هم نپرسید که این پول از کجا تأمین شد، ولی خب ما که می‌دانیم پول عرق ریخته مردم ایران و بیت‌المال بود که به جناب جنتلمن پرداخت شد.

ماجرای تمام شدنی نیست، چون آقایان هنوز با خیال راحت برای خودشان تاخت و تاز می‌کنند. اگر با متخلفان بزرگ و کوچک «ویلموتس گیت» برخورد می‌شد، موسیما نه عشق ویلا و استخر بعد از به خاک سپاه نشاندن استقلال یک میلیون و ۳۰۰ هزار دلار (چیزی حدود ۱۰۵ میلیارد تومان) طلبکار نمی‌شد که بعد هم برود و با گستاخی تمام از روزهای حضورش در استقلال به عنوان روزهای سیاه کارنامه مربیگری‌اش یاد کند.

ماجرای تمام نشدنی است، چون دیروز رسانه‌ها خبر دادند پرسپولیس از ترس شکایت لوکاس ژائو، مهاجم بی‌کیفیتی که گاریدو، سرمربی اخراجی با خودش به ایران آورد، توافق کرده که ۸۰۰ هزار دلار (یعنی حدود ۶۵ میلیارد تومان) به او بپردازد. مهاجمی که طی یک نیم‌فصل فقط یک گل، آن هم در جام حذفی مقابل مس سونگون زد. دقت کردید؛ ۸۰۰ هزار دلار فقط برای یک گل، در بقیه بازی‌ها زمانی که ژائو در زمین بود هیچ تأثیری در بازی پرسپولیس نداشت و تا جایی که یادمان می‌آید چند گل صدرصد را هم زد!

مشکل اینجاست که با خاطیان اصلی این قراردادهای هیچ برخوردی نمی‌شود تا آنها وقیحانه اطلاعیه صادر کنند که هیچ خطری تیم‌هایشان را تهدید نمی‌کند و خیال هواداران

هنوز همه مات و مبهوت پرداخت یک میلیون و ۳۰۰ هزار دلار به موسیما نه بودیم که خبر رسید لوکاس ژائو، مهاجمی که یک نیم‌فصل تمام هواداران پرسپولیس را دق داد، با دریافت ۸۰۰ هزار دلار رضایت داده از پرسپولیس جدا شود.

انگار مسخ شده‌ایم، انگار عادت کرده‌ایم که بیایند و پولمان را به جیب بزنند و بروند. ماجرا خیلی وقت پیش از ویلموتس آغاز شد، اما پرونده ویلموتس انگار همه را عادت داد به اینکه خارجی‌ها بیایند و میلیارد میلیارد به جیب بزنند و بروند. انگار بیکارهای فوتبال جهان به کمک دلال‌های چسبیده به مدیران فوتبال آدرس را خوب یاد گرفته‌اند و می‌دانند کجا بیایند و چگونه قرارداد ببندند. از دو بازیکن بوسنیایی استقلال گرفته تا نیلی باهووی پرسپولیس، رقم‌ها هم تا دلتان بخواهد مختلف است، از ۲۰۰ هزار دلار شروع می‌شود تا ۳۵۰ هزار و ۴۰۰ و ۵۰۰ هزار دلار به بالا!

چرا می‌اش کاملاً مشخص است، چون هیچ برخوردی با مدیران نالایق فوتبال به عنوان مسببان این ضرر و زیان تمام نشدنی به پول مردم و بیت‌المال نشد. خوب یادمان هست مسببان ویلموتس گیت چگونه عرق‌ریزان به محکمه کشیده شدند، اما وقتی متوجه شدند همه چیز تنها بازی است و قرار نیست بابت غلطی که کرده‌اند، مؤاخذه شوند، آن وقت همه چیز تبدیل به خنده شد و تاخت و تاز بیشتر با پول مردم ویلموتس آمد، تیم ملی را به قهقرا برد و بعد هم ۷ میلیون و ۸۷۵ هزار یورو پول